

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقات منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان



بررسی گزینه‌های موجود برای مهار ایران هسته‌ای

برای جلوگیری از پیامدهای این موضوع برای دولت یهود است. رئیس جمهور منتخب برنامه‌هایی را می‌خواهد که از شعله‌ور کردن یک جنگ جدید جلوگیری کنند. در کنار آن بتواند ارتش آمریکا را در سمت خود نگه دارد؛ حمله به تأسیسات هسته‌ای تهران این پتانسیل را دارد که آمریکا و ایران را در مسیر برخورد با یکدیگر قرار دهد. ایران به تنهایی اورانیوم غنی شده کافی برای ساخت ۴ بمب هسته‌ای دارد و تنها کشور غیرهسته‌ای است که مواد شکافت پذیر با درصد نزدیک به سلاح هسته‌ای تولید می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

جدی‌تری قرار داده‌اند. نابودی شبه‌نظامیان نیابتی حزب الله و حماس توسط اسرائیل نیز در این ارزیابی نقش بسزایی داشته‌است. مقامات ترامپ گفتند، موقعیت ضعیف منطقه‌ای ایران و افشاگری‌های اخیر در مورد فعالیت رو به رشد هسته‌ای تهران، بحث‌های حساس بسیاری را به جریان انداخته‌است، اما با این حال، همه مباحث در مورد این موضوع در مراحل اولیه باقی مانده‌است. برخی در پاسخ به این اظهارات گفتند که ترامپ در تماس‌های اخیر خود به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل گفته که نگران یک انفجار هسته‌ای از سمت ایران است و این نشان می‌دهد که او به دنبال پیشنهادهایی

وال استریت ژورنال الکساندر وارد

دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا در حال بررسی گزینه‌های موجود برای جلوگیری از توانایی ایران در ساخت سلاح هسته‌ای است، از جمله این اقدامات امکان استفاده از حملات هوایی پیشگیرانه است که این اقدام سیاست دیرینه مهار تهران با دیپلماسی و تحریم را در هم خواهد شکست. گزینه حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای اکنون توسط برخی از اعضای تیم وی که سقوط حکومت بشار اسد، رئیس جمهور سوریه را ارزیابی می‌کنند، تحت بررسی

۱۲

لزوم توجه به هزینه‌های
نظامی در سطح جنگ سرد

۱۰

انتخاب رئیس جمهور جدید
در بحبوحه مشکلات داخلی

۳

سقوط اسد و ظهور نیابتی
جدید جمهوری اسلامی؟

بررسی گزینه‌های موجود برای مهار ایران هسته‌ای



به دلیل احتیاط آمریکا در برابر ایران این کار را انجام نداده است. مقامات ترامپ می‌گویند که قصد دارند تحریم‌های فعلی را اجرا و تحریم‌های جدیدی را نیز اعمال کنند. دولت آتی اصرار دارد که نمی‌توان با شبکه نیابتی تهران به‌طور کامل مقابله کرد مگر اینکه ایران از منابع اقتصادی و نظامی محروم باشد. ایران ساختاپوس است و همه مسائل در نحوه برخورد با ایران حل خواهد شد.

به نظر می‌رسد مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور جدید ایران، تمایل ترامپ به توافق‌های بلندپایه را جلب می‌کند. جواد ظریف، معاون امور راهبردی رئیس‌جمهور ایران، هفته گذشته در فارن افرز نوشت، پزشکیان «آماده مدیریت تنش‌ها با آمریکا است» و «امیدوار است به مذاکرات برابر در مورد توافق هسته‌ای دست یابد». بر اساس برآورد اطلاعاتی آمریکا که هفته گذشته منتشر شد، تهران در حال حاضر مواد شکافت پذیر کافی برای تولید بیش از ۱۲ بمب هسته‌ای دارد. مقامات ایرانی مدت‌هاست که به‌صراحت اعلام کرده‌اند که واکنش آن‌ها به یک حمله مستقیم، اخراج بازرسان سازمان ملل و خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و تهران دیگر متعهد نیست که سلاح هسته‌ای تولید نکند.

<https://tinyurl.com/2dheyp5y>

ایران در تمام قسمت‌های مهم و خطرناک آن نگاه می‌کنند. به گفته مقامات سابق، اندکی پس از اینکه بازرسان بین‌المللی نشان دادند که ذخایر مواد هسته‌ای ایران افزایش یافته است، ترامپ ایده حملات پیشگیرانه به برنامه هسته‌ای ایران را در پایان دوره اول ریاست جمهوری خود ارزیابی کرد، اما ترامپ، پس از ترک قدرت تاکنون به‌طور جدی به اقدام نظامی فکر کرده است.

دستیاران و معتمدان ترامپ پیشنهاد می‌کنند حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران مانند نطنز، فردو و اصفهان حمایت کنند و احتمالاً آمریکا را در یک عملیات مشترک مشارکت دهند، اما با این حال، در مورد موفقیت حمله انفرادی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران که برخی از آن‌ها در اعماق زمین مدفون هستند، تردیدهایی وجود دارد. برخی از متحدان ترامپ بر این باورند که در اولین ماه‌های بازگشت او به قدرت، فرصت نادری برای مقابله با تولید هسته‌ای ایران در اختیار دارد زیرا که حکومت ایران در موقعیت ضعیفی قرار دارد.

اگر ترامپ به یک گزینه نظامی جدی دست ببرد، سیاست‌های آمریکا را نقض خواهد کرد. اسرائیل حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را در نظر گرفته است، اما

تنها چند روز طول می‌کشد تا این انباشت‌ها به سوخت هسته‌ای با درجه تسلیحاتی تبدیل شوند.

تیم دونالد ترامپ، در حال توسعه استراتژی «فشار حداکثری» علیه ایران هستند و در همین حین ممکن است در طی چندین ماه ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، به همین خاطر این طرح شامل اقدامات نظامی و مجازات‌های مالی شدیدتر علیه ایران است. دو گزینه از جمله اعزام نیروهای آمریکایی بیشتر به غرب آسیا و فروش تسلیحات پیشرفته به اسرائیل مورد بحث قرار گرفته است. گزینه نیروی نظامی، همراه با تحریم‌های اعمال شده توسط آمریکا، می‌تواند ایران را متقاعد کند تا بحران هسته‌ای خود را از طریق مسیر دیپلماتیک حل کند. علت استفاده از نیروی نظامی برای سوق دادن تهران به پذیرش یک قطعنامه دیپلماتیک است. ترامپ در مورد اجتناب از جنگ جهانی سوم و میانجی‌گری در معاملات با تهران سخن می‌گوید، اما به احتمال جنگ با ایران نیز اشاره کرده است.

دولت اسرائیل همچنین به درخواست‌ها برای اظهار نظر درباره اینکه آیا در دوره دولت ترامپ به ایران حمله خواهد کرد یا خیر، پاسخ نداده است، اما در ماه نوامبر، پس از سه تماس با ترامپ، نتانیاهو گفت که او و ترامپ «به پاسخی برای تهدید

«فشار حداکثری» این بار علیه ایران کار ساز نخواهد بود؟

هیل
جام در سو

دونالد ترامپ برای کارزار «فشار حداکثری» جهت سرنگونی فروش نفت تهران بازگشته است.

اما سال ۲۰۲۵، سال ۲۰۱۸ نیست. اکنون اوضاع فرق کرده است.

حمایت آمریکا از کارزارهای اسرائیل علیه مردم فلسطین و لبنان، حمایت محلی از اقدامات ایالات متحده را کاهش داده، زیرا بسیاری از پایتخت‌های غرب آسیایی در مورد «فشار حداکثری» تردید دارند و احساس می‌کنند که این امر باعث افزایش تنش‌های منطقه‌ای خواهد شد. عربستان و ایران از سال ۲۰۲۳، به هم نزدیک شده‌اند.

رؤسای جمهوری امارات و ایران در ماه اکتبر برای نخستین بار رو در رو گفت‌وگو کردند و تجارت دو کشور در حال افزایش است. به علاوه، قطر (که یک میدان گاز طبیعی مشترک با ایران دارد) و جمهوری اسلامی در تلاش برای گسترش روابط اقتصادی خود هستند.

بازار نفت نیز از سال ۲۰۱۸ تغییر کرده است. به گزارش آرگوس مدیا، صادرات نفت ایران که در نیمه دوم سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به دلیل تحریم‌های دوران ترامپ به زیر ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسیده بود، از سال ۲۰۲۱ رشد داشته و از آن زمان هر سال افزایش یافته است.

ایران شبکه خود را برای دور زدن تحریم‌ها گسترش داده و ناوگان نفتکش‌های خود را افزایش داده است، بنابراین، اگر آمریکا دوباره این کشور را تحریم کند، متوجه خواهد شد که خریداران باقی‌مانده «کسانی هستند که لزوماً از تحریم‌ها نمی‌ترسند».

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور ایران، پس از انتخاب، برنامه خود را در «پیام من به دنیای جدید»، تقویت روابط با همسایگان اعلام کرد.

این هاشانه‌های امیدوارکننده‌ای مبنی بر تمایل به دستیابی به راه‌حل مذاکره است. روابط قوی‌تر ایران با روسیه و چین نیز بر انعطاف‌پذیری این کشور افزوده است.

ترامپ نمی‌خواهد جنگی را با ایران آغاز کند، زیرا به تأثیر آن بر اقتصاد آمریکا حساس است، بنابراین، تحریم‌ها (و حمله گاه به گاه اسرائیل) ممکن است تنها اقدام او باشد.

<https://B2n.ir/h79866>

سقوط اسد شاید بهترین اتفاق برای اصلاح طلبان ایران باشد!



سقوط اسد و ظهور نیابتی جدید جمهوری اسلامی؟

هیل

مارک تات/ جانانان سوئیت |

ایران و روسیه اکنون خود را در خارج از دمشق می بینند. هر دو با از دست دادن پایگاه‌های عملیاتی قابل توجهی روبرو هستند. روسیه برخی از نیروهای دریایی خود را از طرطوس در شرق مدیترانه خارج کرده است. مسکو از این نیروها برای طراحی و حفظ نفوذ روسیه در سراسر غرب آسیا، منطقه ساحل آفریقا، سودان و گینه استوایی استفاده کرده است.

به همین ترتیب، نیروی هوایی روسیه در حال آماده شدن برای خروج دارایی‌ها از پایگاه هوایی حمیمیم در سوریه است. ضرر ایران از این هم بیشتر است. به سوریه پناهگاهی داده شد که در آن سپاه پاسداران بتواند در جنگ علیه اسرائیل به حماس و حزب الله لبنان در دمشق، غزه و کرانه باختری کمک مالی، تأمین و آموزش دهد. اکنون، آن پناهگاه امن دیگر وجود ندارد.

سقوط سوریه ضرر بزرگی برای تهران است. آن‌ها همچنین نمی‌توانند از پیروزی گروه سنی‌زده جوی اسلام‌گرای سنی هیئت تحریر الشام خوشحال باشند.

نظام ایران به خاطر بقای خود، به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است.

شورشیان حوثی در یمن تنها مانده باقی مانده ایران هستند که قادر به حمله به اسرائیل، مختل کردن حمل و نقل تجاری در دریای سرخ و خلیج عدن و ایجاد تهدیدی برای آمریکا در منطقه است.

ایران نیاز مبرمی به یک نماینده جدید دارد که به منظور تهدید منافع آمریکا در منطقه، اهرمی برای آن فراهم کند.

حوثی‌ها شیعیان زیدی هستند. الشباب یک گروه تروریستی اسلامی سنی است که از نظر ایدئولوژیک با تشیع مخالف است. اما آن‌ها یک دشمن مشترک دارند: آمریکا و اسرائیل. تسلیحات ارائه شده به الشباب تهدیدی برای دولت سومالی، نیروهای آمریکایی و کشتیرانی تجاری است.

در ماه ژوئن، اطلاعات آمریکا از گفت‌وگوهای حوثی‌ها برای ارائه تسلیحات به الشباب مطلع شد.

دولت سومالی در معرض خطر است و همچنین ۴۸۰ سرباز آمریکایی در آنجا مستقر هستند. الشباب یک نماینده خطرناک و توانا برای ایران در شاخ آفریقا خواهد بود.

<https://B2n.ir/f34138>

است که بگوییم ترامپ به هرگونه اقدام ایران چه واکنشی نشان خواهد داد، همان طور که دیدار روز ۱۴ نوامبر بین ایلان ماسک و سفیر ایران در سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که ممکن است واکنش ترامپ در حال حاضر در حال آشکار شدن باشد. همه رهبران غرب آسیا شرط می‌بندند که رئیس‌جمهور منتخب اهداف دیپلماتیکی را که جو بایدن نتوانست به آن‌ها دست یابد، محقق خواهد کرد. با این حال، در مورد ایران، ترامپ باید با پیش فرض مذاکره‌ای که قبلاً آن را رد کرده بود، موافقت کند، یعنی کاهش یا حذف تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای در ازای توافق جدیدی که حکومت سخت‌تر نظارت بین‌المللی را تحمیل می‌کند، اما به ایران اجازه غنی‌سازی محدود می‌دهد. تندروهایی مانند بریانی هوک که ممکن است دوباره به عنوان مرد اصلی ترامپ در ایران خدمت کند، در عوض برای بازگشت به «فشار حداکثری» استدلال می‌کند، سیاستی که در دولت اول ترامپ مانع از هرگونه مصالحه در مورد غنی‌سازی شد و همان طور که هوک بارها انجام داده است، تأکید خواهند کرد که هیچ تفاوت واقعی بین تندروهای ایران و اصلاح‌طلبان وجود ندارد، یعنی تنها چیزی که مهم است [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب است.

<https://B2n.ir/biiiaaa>

تلاش برای احیای ثروت خود در داخل و خارج از کشور، از این گشایش استفاده خواهند کرد. همیشه رابطه تنگاتنگی بین مبارزه سخت اصلاح‌طلبان برای گذاشتن نشان خود بر نظام سیاسی ایران و موضوع داغ روابط ایران و آمریکا وجود داشته است. تعمیم گسترده در مورد گروهی به پیچیدگی و گسستگی «اصلاح‌طلبان» می‌تواند خطرناک باشد. با این حال، منصفانه است که بگوییم آن‌ها در بی‌بازی یا ترس شدید از قدرت فرهنگی و ایدئولوژیک آمریکا که به رقبای تندرو آن‌ها روحیه می‌دهد مشترک نیستند. برعکس، بسیاری از افکار سیاسی غرب الهام گرفتند. اصلاح‌طلبان با تکرار ماهیت برگزیده تفکر سیاسی در ایران، از مارکسیسم، لیبرالیسم مکتب قدیمی، اگزیستانسیالیسم و آنچه قبلاً «جهان‌سومی» نامیده می‌شد، برای پیشبرد چشم‌اندازی از تغییر سیاسی نه‌از طریق انقلاب مردمی، بلکه از طریق یک فرآیند کار سخت متمرکز بر ایجاد اتحاد و حمایت از یک سیاست کثرت‌گرا تر و بازتر استفاده کردند. «محور مقاومت» ایران متحد اصلی خود را در دمشق از دست داد در حالی که حزب الله، متحد شماره دو آن، پس از متحمل شدن ضربات متعدد، با آتش بس با اسرائیل موافقت کرده است که جدی‌ترین آن‌ها ترور حسن نصرالله، دبیرکل آن توسط اسرائیل در روز ۲۷ سپتامبر بود. هنوز خیلی زود

کوئینسی دنیل برومبرگ |

برای ایران، سقوط بشار اسد در سوریه و آنچه از حکومت او باقی مانده است البته همراه با تصمیم مسکو برای پرتاب کردن متحد اصلی خود در غرب آسیا، نشان‌دهنده یک فاجعه استراتژیک است. استراتژی مقاومت ایران بر اتحاد آن با اسد استوار بود. بدتر از همه، رهبران ایران می‌ترسند که اسد با آنچه که آن‌ها به راحتی «تروریست» می‌نامند جایگزین شود. به این معنا، تصور در ایران از تهدید بالقوه حاکمان جدید در سوریه منعکس کننده دیدگاه سیاست‌گذاران آمریکا است. در واشنگتن و تهران، نگرانی مشترک این است که پیروزی نوعی «جهادگرایی سنی» می‌تواند باعث از هم گسیختگی و جنگ داخلی بیشتر در سوریه شود یا در راه برای احیای نسخه جدیدی از داعش باز کند. اصلاح‌طلبان ایران نیز در این ترس شریک هستند. در عین حال، سقوط اسد، عرشه سیاسی در جمهوری اسلامی را تغییر داده است. آنچه به طور گسترده به عنوان تغییر ناپذیر نسل جدید تندروها دیده می‌شد، اکنون متفاوت به نظر می‌رسد. سقوط اسد نه تنها تندروهای ایران را بدنام کرد، بلکه دلایل زیادی برای تجدید دیپلماسی با آمریکا فراهم کرد، موضعی که مدت‌ها توسط اصلاح‌طلبان حمایت می‌شد. به احتمال زیاد، آن‌ها در

اسرائیل می‌تواند جهان را از شر ایران هسته‌ای خلاص کند



نیوزویک یاکوف کاتزا

در ۲۰ سال گذشته، دو ترس اصلی اسرائیل را از انجام یک حمله نظامی پیشگیرانه برای از بین بردن برنامه هسته‌ای ایران باز داشته است. اولین مورد، نگرانی از عدم موفقیت یک حمله نظامی بود. مقامات ارشد دفاعی در اسرائیل و غرب هشدار دادند که نیروی هوایی این رژیم نمی‌تواند به ایران برسد و بر سیستم‌های پدافند هوایی پیشرفته روسیه غلبه کند و قادر نیست به برخی از تاسیسات هسته‌ای که در اعماق زیر زمین مدفون شده‌اند، نفوذ کند. ترس دوم بهای عملی بود که اسرائیل در صورت حمله می‌پردازد. گمان می‌رود ایران حدود ۲ هزار و ۵۰۰ موشک بالستیک دوربرد دارد که قادر به حمله به اسرائیل هستند. حزب الله تا همین اواخر زرادخانه ۱۵۰ هزار موشک داشت. حماس حدود ۴۰ هزار و حوثی‌ها در یمن صدها عدد دارند. در نهایت، نظام بشار

گرچه حوثی‌ها زرادخانه کوچکی از تسلیحات ایرانی در اختیار دارند، اما آن‌ها بیشتر برای ایجاد اختلال در مسیرهای کشتیرانی در دریای سرخ در نظر گرفته شده‌اند، نه برای حمله به اسرائیل. اگر اسرائیل یا آمریکا نتوانند اقدامی کنند، ایران ارتش‌های نیابتی خود را بازسازی خواهد کرد.

<https://B2n.ir/n95453>

برای دفاع از خود را از بین برد. ترس از تلافی احتمالی از هفته گذشته تا حد زیادی کاهش یافته است. در سوریه، پس از برکناری اسد، اسرائیل بیش از ۳۰۰ بمباران را برای از بین بردن بقایای نیروی هوایی، دریایی، زرادخانه موشکی و ذخایر تسلیحات شیمیایی سوریه انجام داده است. حماس همچنین به عنوان یک نیروی نظامی نابود شده است.

اسد در سوریه بود که تا همین اواخر صدها موشک اسکاد و چندین تن سلاح شیمیایی در اختیار داشت. این ترس‌ها دیگر مطرح نیستند. در ماه اکتبر بیش از ۱۰۰ هواپیمای نیروی هوایی اسرائیل، از جمله هواپیمای پیشرفته «اف-۳۵ آی»، بیش از ۲ هزار کیلومتر پرواز کردند و بیشتر از ۲۰ هدف را در سراسر ایران مورد اصابت قرار دادند. در این حمله، اسرائیل توانایی ایران

حملات هوایی بی‌سابقه اسرائیل علیه لبنان، ایران و سوریه

شدند. ارتش اسرائیل به این نتیجه رسید که عملیاتی ویژه و یک حمله مستقیم به اس-۳۰۰ ایرانی در ماه آوریل، احتمال حملات آینده اسرائیل به ایران را بهبود می‌بخشد. این عملیات انتقام‌بزرگ‌ترین حمله موشکی ایران به اسرائیل را گرفت. حمله سال ۲۰۲۴ در مقایسه با مقیاس حملات در ۵۰ سال گذشته به‌طور غیرعادی خصمانه و مرگبار بود.

در ماه دسامبر سال ۲۰۲۴، اسرائیل عملیات هوایی بی‌سابقه‌ای را در سوریه آغاز کرد و تسلیحات سنگین و استراتژیک باقی‌مانده ارتش سوریه را هدف قرار داد. نیروی هوایی اسرائیل ۴۸۰ حمله انجام داد که ۳۵۰ حمله با پهپادها صورت گرفت و سامانه‌های پدافند هوایی، موشک‌ها، جت‌های جنگنده و تانک‌ها را هدف قرار دادند. نیروی دریایی اسرائیل نیز در دو پایگاه دریایی ساحلی به همتای سوری خود حمله کرد. دیده‌بان حقوق بشر سوریه دست کم ۳۵۲ حمله از اسرائیل را علیه اهداف مختلف در ۱۳ استان از ۱۴ استان سوریه گزارش داده است.

<https://tinyurl.com/3bz5mxrc>



بیش از یک میلیون تن شد. عملیات روزهای توبه اسرائیل، تغییر قابل توجهی را نسبت به عملیات «مول کریکت ۱۹» در سال ۱۹۸۲ نشان داد. این عملیات حدود ۲۰ سایت تولید موشک و بسیاری از پدافندهای هوایی ایران را با بیش از ۱۰۰ جنگنده هدف قرار داد. در این عملیات سامانه‌های موشکی پدافند هوایی اس-۳۰۰ ساخت روسیه که پیچیده‌تر از کاکا ۱۲ کیوب‌های ساخت شوروی در سوریه بودند، خنثی

حمله اولیه علیه حزب الله در روز ۲۳ سپتامبر گسترده‌ترین حمله در تاریخ نیروی هوایی اسرائیل بود. نیروی هوایی اسرائیل، حسن نصرالله، رهبر حزب الله را در یک حمله هوایی بی‌سابقه در روز ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ ترور کرد. این کارزار تا ۸۰ درصد از موشک‌های حزب الله را منهدم کرد و ذخایر مهمات هدایت شونده دقیق آن‌ها را کاهش داد. این کارزار همچنین منجر به کشته شدن حداقل ۱ هزار و ۴۰۰ نفر و آواره شدن

فوربز پائول ایدون

اسرائیل از ماه سپتامبر سال ۲۰۲۴ سه حمله هوایی را در سه کشور انجام داده است که از نظر پیچیدگی و مقیاس از گذشته خود پیشی گرفته است. عملیات غزه که پس از حمله حماس آغاز شد، منجر به ویرانی گسترده و کشتار نزدیک به ۴۵ هزار فلسطینی شد. اسرائیل همچنین در ماه ژوئیه ۲۰۲۴ یک حمله هوایی دوربرد علیه یمن انجام داد و

چه اتفاقی برای نیابتی‌های ایرانی در سوریه افتاد؟

سوریه

محور مقاومت

محور مقاومت
روزنامه

یک گروه تحقیقاتی مستقل است، گفت: «در مقاطع مختلف در طول درگیری، آن‌ها تقریباً در تمام استان‌های سوریه عملیات کردند.»

در سال‌های اخیر، با تثبیت کنترل حکومت اسد بر بیشتر مناطق کشور، تعداد نیروهای شبه‌نظامی که در سوریه می‌جنگند کاهش یافت. با این حال حتی قبل از سقوط اسد، هنوز ۲ هزار و ۵۰۰ تا ۵ هزار جنگجوی فاطمیون و زینبیون در سوریه حضور داشتند.

در حالی که شورشیان حمله غافل‌گیرانه خود را در اواخر ماه گذشته آغاز کردند، برخی کارشناسان نبرد شدیدی را برای دمشق پیش‌بینی کردند و انتظار داشتند سپاه پاسداران و نیروهای نیابتی آن از حکومت سوریه دفاع کنند.

ویدئوهایی که هفته گذشته توسط شبه‌نظامیان عراقی پخش شد، فاطمیون را در اطراف حرم زینب در خارج از دمشق نشان می‌داد.

<https://B2n.ir/d16276>



عراق در دهه ۱۹۸۰ و جنگ داخلی افغانستان در دهه ۱۹۹۰ شرکت کرده بودند، در حالی که برخی دیگر به عنوان پناهنده در سوریه زندگی می‌کردند. این دو گروه در طول جنگ داخلی سوریه نقش مهمی ایفا کردند و به عنوان ستون‌های اصلی حمایت از حکومت اسد عمل کردند. معز العبدالله، مدیر تحقیقات غرب آسیا در «اطلاعات مکان و رویداد درگیری مسلحانه» [ACLED] که

کرده و گریختند.

فاطمیون و زینبیون در سال‌های اولیه جنگ داخلی سوریه و زمانی ظهور کردند که داعش بنیادگرای سنی شروع به تهدید اسد و هدف قرار دادن زیارتگاه‌های شیعیان در سوریه و دیگر اماکن شیعیان کرد.

فاطمیون در سال ۲۰۱۲ با تعداد انگشت‌شماری از داوطلبان شیعه افغان شروع به کار کرد. برخی در جنگ ایران

صدای آمریکا مسعود فریورا

گروه‌های نیابتی مستقر در سوریه بخشی از «محور مقاومت» ایران بودند که برای دفاع از حکومت سابق اسد به عنوان بخشی از کارزار ایران برای گسترش نفوذ خود در سراسر غرب آسیا ایجاد شدند. تیپ فاطمیون متشکل از شیعیان افغان بود که از ایران آمده بودند. تیپ زینبیون از گروه‌های مذهبی پاکستانی آن‌ها تشکیل شده بود.

در اوج جنگ داخلی سوریه، این دو گروه در نبردهای بزرگی با هم جنگیدند و به نیروهای سوریه برای بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته از گروه داعش از جمله پالمیرا و حلب در سال ۲۰۱۶ و رقه و دیرالزور در سال ۲۰۱۷ کمک کردند.

اما بر اساس گزارش‌های خبری و محققانی که این گروه‌ها را دنبال می‌کنند، زمانی که ائتلافی از شورشیان ضد اسد در هفته‌های اخیر کشور را در نوردید، اکثر آن‌ها پست‌های خود را رها

حوثی‌ها هدف بعدی خواهند بود؟



بلومبرگ جیمز استاوریدیس

با سقوط دیکتاتور سوریه بشار اسد، یکی دیگر از نیابت‌های شرور ایران شکست خورده است و حکومت سرکش اسد ویران شده است. در نوار غزه، حماس عملاً یک سازمان شکست خورده است که هزاران عامل آن، از جمله یحیی سنوار، رهبر حماس کشته شده است. در لبنان، اکثر رهبران ارشد حزب الله به روش‌های مختلفی از ترور پهبادهای گرفته تا حملات هوایی دقیق گرفته تا انفجارهای پیچیده حذف شده‌اند و بودجه و حمایت ایران عملاً قطع شده است.

برخی از تحلیل‌گران، چه در اسرائیل و چه در آمریکا، خواستار حملات بیشتر و قوی‌تر به طور مستقیم علیه ایران هستند (اسرائیلی‌ها تعداد محدودی از سایت‌های نظامی ایران را در ماه اکتبر مورد حمله قرار دادند). بحث این است که ایرانی‌ها به دلیل تلفات نیروهای نیابتی خود و تضعیف پدافند هوایی آن‌ها توسط اسرائیل آن قدر ضعیف شده‌اند که زمان ضربه فلج‌کننده فرارسیده است.

به خواست خودشان و چه به دستور ایران حفظ کنند.

تهران ضعیف‌ترین دست‌کارهای خود را در دو دهه اخیر دارد، از زمانی که ساخت شبکه پیچیده خود از نیابت‌های تروریستی را بر عهده گرفت. از بین بردن تهدید باقی‌مانده در سواحل دریای سرخ بهترین راه برای تضعیف بیشتر حکومت در تهران و بازگشایی یکی از مهم‌ترین خطوط کشتیرانی جهان است.

<https://B2n.ir/y28701>

به این تروریست‌های حوثی نداشتند که توسط تهران آموزش دیده، تجهیز، سازمان‌دهی و هدایت می‌شوند.

از جنبه دیپلماتیک، ماحصل آتش‌بس در غزه مفید خواهد بود. حملات حوثی‌ها ظاهراً در همبستگی با حماس انجام شد. آتش‌بس غزه می‌تواند باعث شود که تروریست‌ها جنگ خود را با کشتیرانی جهانی متوقف کنند؛ اما ما نمی‌توانیم به آن‌ها اجازه دهیم توانایی برای ازسرگیری سریع حملات خود را چه

از زمان دزدان دریایی بربری در قرن هجدهم، جامعه دریایی بین‌المللی به اندازه امروز توسط حوثی‌ها مورد تهدید نیروهای سرکش قرار نگرفته است. دزدان دریایی سومالیایی آفریقای شرقی که من یک دهه پیش به عنوان فرمانده عالی متحدان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با آن‌ها جنگیدم، عمدتاً نوجوانانی بودند که صندل‌هایی با کلاشینکف زنگ‌زده به همراه داشتند. آن‌ها هیچ شباهتی

MAGA به چه معناست؟



مدعی مأموریت برای ادامه پروژه بزرگ متانوتیک خود برای برچیدن ملت شد. در نهایت، «بیداری» تلاشی هماهنگ برای تحقیر، ارباب‌خسته کردن آمریکایی‌های معمولی بود. هدف این بود که آن‌ها را وادار به تسلیم در برابر «قوس تاریخ» متانوتیک اجتناب ناپذیر کنند.

نظم جدید مردم را ملزم می‌کرد که به دیگران، در مورد دیگران و به خودشان دروغ بگویند. آن‌ها باید وانمود می‌کردند که نمی‌توانند تفاوت بین یک مرد و یک زن را تشخیص دهند، با این تخیل همراه می‌شدند که یک سفیدپوست بودن به این معنی است که یک فرد از نظر روحی جبران ناپذیر است و موافقت می‌کردند که ورود غیرقانونی ده‌ها میلیون مهاجر ناشناس فقط می‌تواند خوب باشد. چیزی برای آمریکا پویایی‌های مشابهی در رابطه با تورم، اقتصاد، جرم، مجازات، تاریخ و تقریباً هر موضوع برجسته دیگری آشکار شد.

در نهایت، سال ۲۰۲۴ یک همه‌پرسی در مورد هویت بود. آمریکایی‌ها بازگشت به ترامپ را انتخاب کردند و ترجیح دادند به میراث خود و دیدگاه آن درباره اینکه چه کسی هستند، چگونه زندگی می‌کنند و چه چیزی را گرامی می‌دارند بازگردند. پیروزی در سال ۲۰۲۴ عظیم بود و توضیح آن ساده است، آمریکایی‌ها به جای خودزنی فلج‌کننده و اخلاقی، دیدگاه مثبت برای کشور را ترجیح می‌دهند.

<https://B2n.ir/p64578>

میلیون‌ها شهروند معتقد بودند که آمریکا عالی و استثنایی بوده است، اما احساس می‌کردند که دیگر چنین نیست. نامزدی ترامپ دعوتی بود از مردم برای انکار دگرگونی بنیادی متانوتیک اوباما و تلاش برای بازایی هویت ملی که در این راه گم شده بود. ترامپ پیروز شد و راه از این آگاهی رشد کردند که شاید تحول اوباما سست بنا شده بود. این واقعیت که بسیاری از اصلاحات اوباما از طریق دستورات اجرایی به دست آمده بود به این معنی بود که می‌توان آن‌ها را به همان شیوه لغو کرد.

همه‌گیری، مرگ جورج فلوید، شورش‌های سراسری، DEI، CRT، جنون جنسیتی، سلاح‌زدایی حزبی از بوروکراسی دولتی، مرزهای باز و ریاکاری آشکار و تناقض‌هایی که با همه این‌ها همراه بود، تلاشی هرکولی برای متقاعد کردن آمریکایی‌ها بود که ملتی که آن‌ها دارند، اساساً فاسد است و برای مدتی کار کرد.

باید برنده ریاست جمهوری شد، البته در شرایط بسیار مشکوک. پیروزی اندک او این توهم پرهزبنه‌چپ‌گرایان را ممکن کرد مبنی بر اینکه انتخاب ترامپ یک انحراف بوده است: این یک تصادف بود، یک دست‌انداز لحظه‌ای در جاده که دگرگونی اساسی کشور را به تأخیر انداخت، اما اتفاقی که آن را از مسیر خارج نکرد. با شکست ترامپ، دموکرات‌ها متقاعد شدند که رای دهندگان به خود آمده‌اند. این حزب

خواهد شد و این یک تحول معقول خواهد بود. شهروندان کشور ادعای چپ‌گرایان را مبنی بر اینکه هویت سنتی ما از نظر اخلاقی غیرقابل دفاع است، بی‌تردید رد کرده‌اند. این انتخابات اعلامیه آمریکایی‌ها بود که پایه‌گذاری و شیوه زندگی این کشور چیزهای خوبی است. آن‌ها تأیید کردند که به نوعی وجودی، چپ‌گرایان به آرمان‌های آمریکایی خیانت کرد و ملت را به چیزی تبدیل کرد که نیست. رای دهندگان به دولت جدید این اختیار را داده‌اند که به آنچه بودیم بازگردند. در نفی بزرگ وعده چپ مبنی بر اینکه «ما به عقب بر نمی‌گردیم»، آمریکایی‌ها پاسخ داده‌اند: «اوه، بله ما هستیم.»

ترسیم مسیری برای این بازگشت بستگی به درک این دارد که نبرد بر سر هویت ملی ما چگونه شکل گرفت و در نهایت چگونه جنگ پیروز شد. داستان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، زمانی که نیروهای اقتصادی و فناوری از قبل تحولی عمیق در زندگی آمریکایی ایجاد کردند. ۱۱ سپتامبر ضربه بزرگی به روان ملی وارد کرد و جنگ جهانی علیه ترور به شکل درگیری شکل گرفت که در دوره دوم ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، آمریکایی‌ها را به شدت متفرق کرد و از قضا باعث تضعیف آمریکا شد نه تقویت آن. دموکرات‌ها از پیامدهای «آمریکار دوباره بزرگ کن» بی‌اطلاع ماندند، شعاری که یک ضدانقلاب را معقول اعلام می‌کرد.

تام کلینگستیان آدام الوانگرا

در طول ۲۰ سال گذشته، آمریکا با یک نبرد سیاسی بر سر اینکه در قرن بیست و یکم تبدیل خواهد شد، دست و پنجه نرم کرده است. چپ‌گرایان، از جمله ترقی‌خواهان، دولت‌گرایان، دانشگاهیان و سکولارها، اصرار دارند که آمریکا اساساً ناقص است و باید به چیزی متفاوت تبدیل شود. از سوی دیگر، آمریکایی‌های محافظه‌کار، مانند کارگران، سنت‌گرایان، معتقدان مذهبی و مشروطه‌خواهان معتقدند که آمریکا در حال تبدیل شدن به چیزی است که آن‌ها آن را به رسمیت نمی‌شناسند. آن‌ها ادعا می‌کنند که چپ‌گرایان به اصول بنیانگذار ملت خیانت کرده و عادات و سنت‌هایی را که زمانی هویت ملی آن را تعریف می‌کرد، رد کرده‌اند.

نبرد سیاسی بین چپ و راست را به بهترین وجه می‌توان به عنوان یک مبارزه وجودی بر سر آنچه آمریکا خواهد بود درک کرد. چپ‌گرایان برای یک دگرگونی متانوتیک فشار می‌آورند، در حالی که راست‌گرایان تلاش می‌کنند یک تحول معرفتی را تسریع کنند. Metanoia، یک تغییر آینده‌نگر است، با تشخیص اینکه شیوه زندگی گذشته فرد از جهاتی اساسی ناقص بوده است. پشیمانی باعث تسریع در طرد شدن از خود می‌شود که این تحول را به وجود می‌آورد، که رویگردانی عمدی از هویت قبلی است. تحت دولت دوم ترامپ، آمریکا متحول

آیا ارز جدید برای بریکس امکان پذیر است؟

سوریا

افول آمریکا

موضوع: اقتصاد جهانی

روزنامه



مدرن دیپلماسی آنتونی ویگیلیوس کلمنت |

اولین نشست رهبران اتحاد بریکس؛ برزیل، روسیه، هند و چین در سال ۲۰۰۹ در روسیه برگزار شد. سپس در سال ۲۰۱۱ با اضافه شدن آفریقای جنوبی به یک کنفدراسیون پنج کشوری تبدیل شد. ایران، مصر، اتیوپی و امارات نیز در اجلاس اخیر در روسیه به آن به صورت رسمی پیوستند. بسیاری از کشورهای دیگر نیز تمایل خود را برای پیوستن به این بلوک ابراز کرده‌اند و هنوز نمی‌توان گفت که بلوک بریکس یک بلوک رسمی با اهدافی مشخص و تعیین شده است، اما می‌توان گفت که گروه بریکس به سمت هدفی حرکت می‌کند که تلاش‌های اقتصادی و دیپلماتیکش را جهت ایجاد جایگزینی برای گروه هفت، شورای امنیت سازمان ملل و بانک جهانی هدایت کند و در نهایت قدرت برتر را در اختیار بگیرد.

در حال حاضر کشورهای بریکس ۳۵ درصد از اقتصاد جهانی را در اختیار دارند. این بیشتر از سهم ۳۰ درصدی کشورهای توسعه‌یافته در ماه‌های اخیر است. سهم چین از صادرات جهانی در سال ۲۰۲۳، ۱۴٫۲ درصد و سهم هند ۱٫۸ درصد بوده است. در همان سال، کالاهای صادراتی چین به ارزش ۱۱۷ میلیارد دلار آمریکا به هند بود، اما تا سال ۲۰۲۳، صادرات هند تنها ۱۶٫۲۵ میلیارد دلار بود. صادرات هند به روسیه در سال مالی ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، ۶۱٫۴۴ میلیارد دلار بود. واردات هند از آمریکا در سال ۲۰۲۳ بالغ بر ۴۰٫۱۲ میلیارد دلار بوده است. در همان سال، صادرات هند به آمریکا به ارزش ۷۵٫۸۱ میلیارد دلار بود. با احتساب این اعداد در میزان صادرات این کشورها، آمریکا اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری هند است که از چین پیشی گرفته است و با این کار می‌توان فهمید که آمریکا، چین و روسیه چه شرکای قوی هستند و اقتصاد هر کدام تا چه حد می‌تواند بر دیگری تأثیر بگذارد.

در سایه روابط تجاری پیچیده فوق‌الذکر میان کشورهای بریکس و آمریکا، سه سال جنگ جاری روسیه و اوکراین، موضع ایران در دستیابی به سلاح هسته‌ای، جنگ یک ساله اسرائیل و حماس، مسائل تهدیدآمیز تغییرات آب و هوایی و ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا با موفقیتش در انتخابات آمریکا بسیاری از موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های کشورهای جهان را تغییر داد و در نهایت اجلاس بریکس در اکتبر ۲۰۲۴ در شهر کازان روسیه برگزار شد که یک دستاورد بسیار بزرگ برای این گروه و همچنین روسیه بوده است. رهبران بریکس و اعضای که به تازگی به آن ملحق شده‌اند، با موفقیت در آن شرکت کردند که باعث ناامیدی غرب،

در جریان بحث‌های ارز بریکس متهم کرد و خود بی‌انیه‌ای صادر کرد.

دونالد ترامپ که در ماه ژانویه سال ۲۰۲۵ رئیس‌جمهور خواهد شد، در شبکه‌های اجتماعی هشدار جدی علیه کشورهای بریکس صادر و تهدید کرد که در صورت معرفی ارز جدیدی به جای دلار آمریکا، تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی را روی آنان اعمال خواهد کرد. این شوک باعث خشم جهانی شد، زیرا ترامپ متوجه شد که ایجاد یک ارز جدید اقتصاد آمریکا را نابود می‌کند. پوتین استفاده تهاجمی از دلار آمریکا را سلاحی برای تحریم می‌داند که هند را مجبور به یافتن روش تجاری جدیدی می‌کند.

آمریکا نمی‌تواند شکاف کسری تجاری خود را کاهش دهد و سلطه جهانی را افزایش دهد، زیرا این خود منجر به افزایش تنش‌ها و مالیات‌های بالا می‌شود. چشم‌انداز اقتصاد جهانی ترامپ نشان دهنده تنش‌های بسیار زیادی است و هدف هند حفظ یک سیاست خارجی متعادل است. در حالی که هند ممکن است از یک ارز جدید برای بریکس حمایت کند، نمی‌تواند شریک تجاری مهم خود در آمریکا را رها کند. هیچ احتمال فوری برای ارز بریکس یا کاهش سریع سلطه آمریکا وجود ندارد، بنابراین دلارزادی از دلار آمریکا نباید بخشی از سیاست اقتصادی هند باشد و بریکس نیز قطعاً محتاطانه عمل خواهد کرد.

<https://tinyurl.com/lyeym6vt>

به ویژه آمریکا شد، زیرا در این شرایط پیش‌بینی می‌شود که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، غرب را منزوی کرده‌اند و به تیترا اخبار جهانی تبدیل شده‌اند. این بدان معنا نیست که این سازمان فاقد قدردانی و حمایت بسیاری از کشورها برای ارتقای رهبری قدرتمند زیر چتر بریکس برای به چالش کشیدن رهبری جهانی آمریکا است. این قطعاً برای روسیه و چین مثبت است، اما با این حال، هند خود را به عنوان یک کشور بی‌طرف در اینجا قرار می‌دهد. این وضعیت باید به عنوان یک اهرم فشار برای هند در نظر گرفته شود، زیرا هند روابط بسیار عمیقی با آمریکا و روسیه دارد. پوتین مخفیانه به روش‌های مختلف به بهبود هند کمک می‌کند؛ روابط چین، هند و روسیه اکنون محتاطانه در حال محاسبه اقدامات مختلف برای تجدید دوستی خود هستند. هند نمی‌تواند دوستی با هیچ یک از این کشورها را به خطر بیندازد. همچنین نباید فراموش کرد که این اقدام پس از نشست بریکس در کازان، زمانی که چین و هند متقابلاً توافق کردند تا نقاط گشت‌زنی معمول خود را به طور دوستانه از سر بگیرند، بسیار مهم بود.

هدف کنفرانس کازان، جایگزینی دلار آمریکا با واحد پولی بریکس یا انجام تجارت با ارز دیگری بود که به واشنگتن هشدار داد. لوئیز لولا دی سیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، در سال ۲۰۲۳ یک ارز جداگانه برای کشورهای آمریکای لاتین پیشنهاد کرد. دونالد ترامپ، دولت بایدن را به ساکت بودن

سوریه از بن سلمان ترسیده است



حسین، رهبر کاریزماتیک مصر ترویج می‌شد. از تبعیدیان اخوان المسلمین، مانند محمد قطب، برادر سید قطب، روشنفکر برجسته جنبش، برای تدریس در پادشاهی عربستان، جایی که شاگردان محمد شامل اسامه بن لادن جوان بود، استقبال شد.

انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ و شدیدتر از آن، حملات به نیویورک و واشنگتن در سال ۲۰۰۱ (با ۱۵ نفر از ۱۹ هواپیمای عربستان) منجر به تغییر جهت‌گیری مذهبی عربستان شد. این تغییر با موعظه‌ای که توسط دولت تأیید شده بود، توسط شیخ عبدالرحمن السدیس، امام جماعت مسجد الحرام در مکه ایراد شد و با ستایش از بینش بن سلمان به عنوان ولیعهد جوان، جاه طلب و با الهام الهی، که با عمر بن الخطاب، خلیفه دوم اسلام یا «نائب» حضرت محمد (ص) قابل مقایسه است. این خطبه که به صورت زنده از کابل شبکه و رسانه‌های اجتماعی پخش شد، کمتر از سه هفته پس از قتل و مثله کردن بدن جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان در استانبول ایراد شد.

<https://B2n.ir/d63408>

نفت را برای ترویج سلفی‌گری (نوع دین‌داری نومحافظه‌کارانه، با تأکید بر رعایت ظاهری) در سراسر جهان اسلام هزینه کرده است. بر اساس برآوردهای متعدد، مبالغی که عربستانی‌ها برای دعوت (بشارت) قبل از سال ۲۰۱۶ خرج کرده‌اند بین ۷۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار است. این پویایی به سال‌های رونق نفتی ملک فیصل (۱۹۶۴-۱۹۷۵) برمی‌گردد که اخوان المسلمین و دیگر جنبش‌های سلفی را روزه‌های تعدادی لازم برای ناسیونالیسم عربی سکولار می‌دید که توسط جمال عبدالناصر

حال حاضر حکومت سوریه را بر رویاهای آخرالزمانی جهاد جهانی در اولویت قرار می‌دهد و زمان حمله خود را برای بهره‌مندی از آتش‌بس مورد حمایت آمریکا بین اسرائیل و حزب الله تحت حمایت ایران تنظیم کرد آن هم زمانی که واپسین جنگجویان از سوریه خارج یا خنثی شده بودند. در این میان، روسیه به اوکراین مشغول بود. بیش از یک دهه پیش، ظهور یک رژیم تحت سلطه سنی‌ها در سوریه با رنگ‌آمیزی نوین‌گرایا «سلفی» کاملاً با دستور کار عربستان سازگار بود. طی سال‌ها، عربستان میلیارد‌ها دلار

آن‌هرد

ملیس روتفن |

فرار بشار اسد و خانواده‌اش به روسیه، جایی که به آن‌ها پناهندگی داده شده است، نشان می‌دهد که شیوه حکومت او با قتل، شکنجه و سرکوب هر چقدر هم بی‌رحمانه باشد، اما یک ایدئولوگ نیست. او به جای اینکه پس از فروپاشی دولت قاطعانه در سوریه بماند، خانواده خود را در اولویت قرار داده است. او بدون شک به سرنوشته صدام حسین، رهبر عراق که پس از چندین هفته مخفی شدن در ماه دسامبر سال ۲۰۰۶ با فحاشی از سوی جلالان خود به دار آویخته شد، یا معمر قذافی، رهبر لیبی که توسط اسیر کنندگانش در سال ۲۰۱۱ به دار آویخته شد.

فروپاشی غیرمنتظره حکومت اسد که توسط روسیه و ایران حمایت می‌شود، نتیجه سال‌ها برنامه‌ریزی دقیق حسین الشرعه، معروف به ابومحمد الجولانی، رهبر هیئت تحریر شام [HTS]، شاخه‌ای از القاعده مستقر در ادلب تحت حفاظت ترکیه و خارج از کنترل اسد بود. جولانی یک عامل زیرک است که به نظر می‌رسد در

آمریکا حضور نظامی خود در غرب آسیا را تقویت کرد

این کشور شده‌اند.

علاوه بر این، درگیری‌های میان رژیم صهیونیستی و گروه‌های نیابتی حکومت ایران در منطقه به ویژه حماس همچنان در جریان است و این گروه ستیزه‌جوی فلسطینی هنوز نزدیک به ۱۰۰ گروه‌گان از جمله شماری از شهروندان آمریکایی را در اختیار دارد.

به رغم برقراری آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و حزب الله، ارتش اسرائیل طی هفته‌های گذشته به هرگونه نقض آتش‌بس مزبور از سوی این گروه شبه‌نظامی تحت حمایت جمهوری اسلامی به سرعت پاسخ داده است.

از همان روزهای آغازین حمله تروریستی ۷ اکتبر حماس به اسرائیل، دولت بایدن ضمن اعلام حمایت آهنین از حق و وظیفه دولت یهود برای دفاع از شهروندان خود، بر ضرورت جلوگیری از بروز یک جنگ تمام‌عیار در سطح کل منطقه غرب آسیا تأکید کرده است.

<https://B2n.ir/p61589>



از سرنگونی اسد رویکرد محتاطانه‌ای در قبال گروه‌های مخالف اسد اتخاذ کرده‌اند. اصلی‌ترین گروه مخالف حکومت اسد «هیئت تحریر الشام» است که سابقاً شاخه القاعده در سوریه بود.

آمریکا، اسرائیل، و اتحادیه اروپای روزهای گذشته بارها تصریح کرده‌اند که تحولات در سوریه را از نزدیک دنبال می‌کنند و خواهان برپایی حکومتی فراگیر و غیرفرقه‌ای در

به منظور «تضمین ثبات و امنیت» در غرب آسیا، روز شنبه وارد حوزه مسئولیت سنتکام شده است.

شورشیان مخالف رئیس‌جمهور سوریه هفته گذشته در پی موجی از حملات برق‌آسا موفق شدند به بیش از پنج دهه دیکتاتوری خاندان اسد در این کشور پایان دهند.

آمریکا و متحدان غربی آن ضمن استقبال

صدای آمریکا |

هم‌زمان با تحولات و ادامه بی‌ثباتی‌ها در غرب آسیا، ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) روز یکشنبه ۲۵ آذر از ورود تجهیزات نظامی بیشتر این کشور به منطقه تحت مسئولیت خود خبر داد. بر اساس بیانیه، گروه ضربتی ناو هوایمبار «یواس اس هری اس. ترومن» متشکل از این ناو هوایمبار و شماری ناو و اسکادران

هزینه پیروزی روسیه چقدر است؟



فان افرز الین مک کاسکر

بسیاری از آمریکایی‌ها نگران هزینه کمک به اوکراین هستند. کنگره آمریکا هفت ماه طول کشید تا آخرین اقدام مالی برای ارائه کمک را تصویب کند. نظرسنجی ماه نوامبر «مرکز تحقیقات پیو» نشان می‌دهد که اکثر آمریکایی‌ها از کمک به اوکراین حمایت می‌کنند، با این حال تقریباً یک چهارم بر این باورند که واشنگتن بیش از حد کمک کرده است. مقامات منتخب، از جمله جی دی ونس، معاون رئیس جمهور منتخب، همچنان به اظهار نظرهای گمراه کننده درباره «نیم تریلیون دلار بدهی برای درگیری اوکراین» می‌گویند. ایلان ماسک میلیاردی که به دولت آینده ترامپ کمک می‌کند تا برنامه‌های کاهش هزینه‌های دولت فدرال را تنظیم کند، فوریه گذشته در رسانه‌های اجتماعی پست کرد که ادامه سرمایه‌گذاری آمریکا در اوکراین «احمقانه» است.

واشنگتن پشت سر می‌گذارد را ندارند. با کاهش حمایت آمریکا، اراده سیاسی این قاره برای ایجاد ظرفیت بیشتر کاهش خواهد یافت. اوکراین در توسعه پایگاه صنعتی خود گام‌هایی برداشته است، اما سازندگان نظامی آن نمی‌توانند سلاح‌های کافی برای مهار کشوری با بیش از سه برابر جمعیت آن تولید کنند. (نقایص اوکراین در تولید پدافند هوایی، توپخانه و وسایل نقلیه زرهی به‌ویژه مشهود است) حتی اگر این شرکت‌ها بتوانند با روسیه همگام شوند، مسکو شکرایی هم دارد که نیروی انسانی، تسلیحات و سایر منابع را تأمین می‌کنند. برخی از آمریکایی‌ها ممکن است چندان اهمیتی به جلوگیری از حمله روسیه به

ناتو ندهند؛ اما این تصور که واشنگتن باید از اروپا جدا شود و منابع خود را برای مسائل دیگر ذخیره کند، ماهیت جهانی درگیری را از دست می‌دهد. اروپا مطمئناً باید بیشتر روی دفاع خود سرمایه‌گذاری کند. با این حال، بیش از یک قرن تاریخ نشان می‌دهد که وقتی آمریکا به منافع خود در یک منطقه بی‌توجهی می‌کند، درگیری خشونت‌آمیز به ناچار آن را با تهدیدهایی برای امنیت و رفاه آمریکا به عقب می‌کشاند. عقب‌نشینی آمریکادریک منطقه همچنین دشمنان واشنگتن را در جاهای دیگر جسور می‌کند. به زبان ساده، درگیری‌های منطقه‌ای مربوط به گذشته است. سرمایه‌گذاری آمریکادریک سیستم‌های

بدون سرنشین باید فراتر از سوخت‌گیری پهپادها باشد. جنگ در اوکراین نشان داد که پهپادها چقدر برای آینده نبرد ضروری هستند. در طول تهاجم، هم کی‌یف و هم مسکو به انبوهی از پهپادها برای رصد میدان نبرد و شکست دادن و حمله به دیگری وابسته بودند. با این حال، در مورد این نوع فناوری، آمریکا بسیار عقب است. واشنگتن برای مدیریت مسکو با پهپادها و به دست آوردن این منبع یک بار مصرف که در مجموعه‌ای از مأموریت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید سرمایه‌گذاری قابل توجهی در ساخت و توسعه فناوری بدون سرنشین و پلت فرم به مبلغ ۲۹ میلیارد دلار انجام دهد. آمریکا همچنین به پدافند هوایی بهتر نیاز دارد. اگر اوکراین سقوط کند، روسیه مرز ۲ هزار و ۶۰۰ مایلی جدیدی با ناتو خواهد داشت، جایی که می‌تواند تسلیحات و بیش از ۹۰۰ هزار سرباز را جمع‌آوری کند، به علاوه نیروهایی را که از اوکراین به خدمت می‌گیرد. این بدان معناست که آمریکا نیاز به استقرار گسترده پدافند هوایی و مهمات، چه دقیق و چه متعارف دارد که خرید آن‌ها احتمالاً حدود ۱۷۳ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت.

<https://B2n.ir/q80608>

تایمز اسرائیل

با ترامپ در مورد ضرورت «پیروزی» بر جمهوری اسلامی گفت‌وگو کردم

نخست‌وزیر اسرائیل، روز یکشنبه ۲۵ آذر با انتشار ویدیویی به زبان عبری گفت: شنبه شب در گفت‌وگویی تلفنی با دونالد ترامپ، درباره عزم دولت یهود برای تداوم مقابله با جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن صحبت کرده‌ام.

بنیامین نتانیاهو، تماس خود با ترامپ درباره ضرورت «پیروزی کامل» اسرائیل را «بسیار دوستانه، گرم و مهم» خواند.

او در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «گفتم غرب آسیا را تغییر خواهیم داد و این همان چیزی است که در حال رخ دادن است.» به گفته نتانیاهو، «سوریه، لبنان و ایران، آن کشورهای سابق نیستند». نخست‌وزیر اسرائیل تصریح کرد: «متعهد هستیم از تجهیز مجدد حزب‌الله جلوگیری کنیم.» او این مساله را «یک آزمایش جاری» برای اسرائیل خواند و بر ضرورت موفقیت در آن تأکید کرد.

وی افزود: با صراحت تمام به حزب‌الله و ایران می‌گویم که به منظور جلوگیری از آسیب زدن شما به ما، در هر عرصه و هر زمانی همچنان به اقدام علیه شما، به هر اندازه که لازم باشد، ادامه خواهیم داد.»

<https://B2n.ir/f19486>

سازمان خردوینکا

آسوشیتدپرس

سناتور آمریکایی خواستار به‌کارگیری فناوری پیشرفته برای ردیابی پهپادها شد

پس از هفته‌ها نگرانی و سردرگمی درباره پهپادهایی که بر فراز بخش‌هایی از نیویورک و نیوجرسی دیده شده‌اند، سناتور چاک شومر از دولت فدرال خواست تا فناوری پیشرفته‌تری برای ردیابی پهپادها به کار گیرد تا بتوان این وسایل مزاحم را شناسایی و متوقف کرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، این نماینده ایالت نیویورک از حزب دموکرات در سنا، از وزارت امنیت داخلی آمریکا درخواست کرد که به سرعت فناوری ویژه‌ای را مستقر کند که پهپادها را شناسایی و مسیر آن‌ها را تا محل فرودشان ردیابی کند. این درخواست بر اساس گزارش‌های ارائه‌شده از دفتر چاک شومر مطرح شده است. این درخواست سناتور شومر در حالی مطرح می‌شود که نگرانی عمومی درباره عدم ارائه توضیحات شفاف از سوی دولت فدرال در مورد عملیات این پهپادها و عدم متوقف کردن آن‌ها افزایش یافته است.

مایک والتز، گزینه ترامپ برای مشاور امنیت ملی، گفت: زمان آن است که تعیین شود این پهپادهای گزارش شده در آسمان شرق کشور از کجا آمده و قصدشان چه بوده است.

<https://B2n.ir/x62162>

انتخاب رئیس جمهور جدید در بحبوحه مشکلات داخلی

کالیبرا

روز ۱۴ دسامبر، پارلمان گرجستان روند رأی گیری را به پایان رساند که طی آن یک گروه انتخاباتی برای اولین بار ششمین رئیس جمهور این کشور را به طور غیرمستقیم انتخاب کرد. این موقعیت توسط میخائیل کاولاشویلی، یکی از اعضای حزب حاکم رؤیای گرجستان و یک فوتبالیست سابق تضمین شد. با این حال، آمریکا، اتحادیه اروپا و اپوزیسیون طرفدار غرب هنوز رئیس جمهور جدید گرجستان را به رسمیت نمی شناسند. بر اساس «روایت» آن ها، سالومه زورابیشویلی «رئیس جمهور قانونی» باقی می ماند. گرجستان همچنان با تهدید دوگانگی قدرت و درگیری داخلی در میان مداخلات خارجی مواجه است.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری گرجستان، فشار غرب بر این کشور به سطوح بی سابقه ای رسید. این فشار هنوز به شکل یک جنگ اطلاعاتی نشده و یک مداخله «نرم» است که در حال حاضر از طریق «استقرار» اعضای پارلمان اروپا در گرجستان انجام می شود. اتحادیه اروپا و آمریکا تمام تلاش خود را برای تضعیف حاکمیت دولتی گرجستان و تحمیل کنترل مستقیم خارجی با انتصاب سالومه زورابیشویلی تحت حمایت فرانسه که آن را «تنها مرجع مشروع» اعلام کرده اند، انجام داده اند.

در تاریخ ۱۲ دسامبر، رهبران واقعی تظاهرات در تفلیس، نمایندگان یا فعالان مخالف نبودند، بلکه اعضای پارلمان اروپا بودند که به طور خاص برای تحریک ناآرامی ها به گرجستان سفر کرده بودند. هفت عضو پارلمان اروپا از کشورهای مختلف اتحادیه اروپا با سالومه زورابیشویلی، رهبران احزاب مخالف، نمایندگان سازمان های غیردولتی و روزنامه نگاران دیدار کردند، اما آن ها از ملاقات با مقامات گرجستان خودداری و ادعا کردند که آنان به صورت «غیرقانونی» در منصب خود هستند.

عصر همان روز، نمایندگان پارلمان اروپا در یک تجمع اعتراضی در خیابان روستاولی شرکت کردند. در جریان این تظاهرات، شرکت کنندگان خواستار تحریم های جدید علیه اعضای دولت گرجستان شدند. پوسترهایی که خواستار تحریم ها بودند به زبان انگلیسی نوشته شده بودند، به



علیه روسیه در قفقاز است که به طور بالقوه باعث هرج و مرج و شعله ور شدن جنگ داخلی می شود.

انتخابات جدید درخواست شده توسط اتحادیه اروپا باید در گرجستان تحت کنترل عوامل خارجی برگزار شود تا اطمینان حاصل شود که نامزدهای منتخب اتحادیه اروپا و فرانسه پیروز خواهند شد. اگر مردم گرجستان متفاوت از آنچه غرب ترجیح می دهد رأی دهند، این انتخابات یا به رسمیت شناخته نمی شود یا باطل می شود، همان طور که در رومانی اتفاق افتاد. گرجستان در روزهای آینده با نبردی جدی برای حاکمیت ملی خود روبرو خواهد شد.

اگر تمام این اتفاقات همگی با هم در اوج خود باقی بماند، سناریویی از قدرت دوگانه در گرجستان به وجود خواهد آمد، غرب از زورابیشویلی، «تنها رهبر مشروع» و ساختارهای موازی قدرت و نیروهای امنیتی او حمایت می کند و این امر می تواند نه تنها به جنگ داخلی، بلکه در صورت سرکوب خشونت آمیز، منجر به قیام مسلحانه طرفداران غرب شود. همان طور که اپوزیسیون گرجستان و زورابیشویلی از اعضای پارلمان اروپا می خواهند به گرجستان بیایند، آن ها همچنین می توانند از نیروهای خارجی برای مداخله نظامی دعوت کنند و این یک جنگ داخلی می شود.

<https://tinyurl.com/2ccdpnda>

میخائیل سا کاشویلی توسط آمریکا انتقاد کرد و اظهار داشت که موضع آمریکا در قبال تحریم ها نامشخص است. آمریکا گرجستان را ابزاری در استراتژی ژئوپلیتیک خود می داند که منجر به جنگ با روسیه در زمان سا کاشویلی می شود. او ابراز کرد که امروز، مقامات گرجستان یک سیاست عمل گرایانه را دنبال می کنند و از «برخورد مستقیم با روسیه» خودداری می کنند و بر احیای صلح آمیز تمامیت ارضی تمرکز می کنند، اما با این حال، آمریکا و اتحادیه اروپا قصد دارند از گرجستان به عنوان «ابزار مصرفی ژئوپلیتیکی» علیه روسیه استفاده کنند.

تویباس کرمر، دیپلمات آلمانی، نسبت به احتمال تحریم ها و اعتراضات گرجستان در صورتی که منجر به تغییر قدرت نشود، ابراز نگرانی کرده است. وی تأکید کرد که بهترین راه برای جلوگیری از تحریم ها در نظر گرفتن اراده مردم گرجستان است که خواهان اروپا هستند. لفاظی های بروکسل و فرانسه در قبال گرجستان بیش از پیش ستیزه جویانه تر می شود و مکرون بر حمایت از کسانی که از دموکراسی واز مسیر اروپایی گرجستان حمایت می کنند، تأکید می کند.

برخی تحلیل گران اعلام کردند که اگر تحریم ها منجر به تغییر قدرت نشود، اپوزیسیون طرفدار غرب ممکن است خواستار مداخله نظامی یا حملات موشکی شود. هدف غرب گشودن «جبهه دوم»

این معنی که آن ها برای آگاهی «کاربران خارجی» بودند.

فشار بر مقامات گرجستان نیز از سوی آمریکا در حال افزایش است. وزارت امور خارجه برای ۲۰ شهروند گرجستان از جمله وزرا، نمایندگان پارلمان، افسران اجرای قانون و نمایندگان سرویس های امنیتی محدودیت های ویزایی وضع کرده است. «آمریکا به شدت خشونت مداوم، وحشیانه و غیرقابل توجه حزب رویای گرجستان علیه شهروندان گرجستان از جمله معترضان، اعضای رسانه ها، فعالان حقوق بشر و چهره های اپوزیسیون را محکوم می کند». رویای گرجستان از آینده اروپا-آتلانتیک گرجستان دور شده است. مردم گرجستان به شدت تمایل دارند که عضو اتحادیه اروپا شوند و طبق روند فعلی گرجستان پیش بینی می شود که مقامات ارشد در تضعیف دموکراسی روزافزون گرجستان درنگ نخواهند کرد.

طبق گفت و گوهای برخی مقامات اروپایی و آمریکا اعلام کردند که در حال آماده سازی اقداماتی برای تحریم کسانی که دموکراسی را در گرجستان تضعیف می کنند، هستند. «در کنار مردم گرجستان، می خواهیم شاهد یک گرجستان قوی، مرفه و دموکراتیک باشیم که محکم در جامعه یورو آتلانتیک ادغام شود.»

از طرف دیگر شالوا پاپواشویلی، رئیس پارلمان گرجستان، از نادیده گرفتن نقض حقوق بشر در دوران حکومت

در جنگ هسته‌ای نمی‌توان پیروز شد

الجزیره ملیسا پارک |

هنگامی که رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا و میخائیل گورباچف، همتای او در شوروی در سال ۱۹۸۵ در ژنو ملاقات کردند، توافق کردند که «یک جنگ هسته‌ای را نمی‌توان برد و هرگز نباید در آن جنگید». این مقدمه‌ای بود برای آغاز پایان رقابت تسلیحات هسته‌ای جنگ سرد و کاهش عمیق متعاقب آن در زرادخانه‌های آمریکا، شوروی و بعدها روسیه. از آن زمان، پنج کشور اصلی دارای سلاح هسته‌ای این بیانیه را مجدداً تأیید کردند، آخرین بار در سال ۲۰۲۲؛ اما برخی مخالف هستند و به استراتژی‌های نظامی دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردند که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط سربازان در میدان نبرد را برای پیروزی در جنگ‌ها پیش‌بینی می‌کرد. یکی از نمونه‌های اخیر، دیوید لستر، مقام سابق دولت ترامپ است

که استدلال می‌کند «وزارت دفاع (DoD) تقریباً به اندازه کافی برای اطمینان از اینکه جنگنده آمریکایی قادر به جنگیدن، زنده ماندن و پیروزی در میدان نبرد هسته‌ای است، انجام نمی‌دهد». زمان چنین نظراتی نمی‌تواند نامناسب‌تر باشد: «در حالی که جایزه صلح نوبل در شرف اعطای به نیهون هیدانکیو، سازمان هیباکوشا، بازماندگان بمباران هیروشیما و ناکازاکی آمریکا، به دلیل کارزار مادام‌العمر آن‌ها برای از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای است». بمب‌های اتمی ۱۹۴۵ که بیش از ۲۰۰ هزار نفر را در ژاپن کشتند، امروزه سلاح‌های هسته‌ای «تاکتیکی» نامیده می‌شوند. بازماندگان آن سلاح‌های هسته‌ای «تاکتیکی» متخصصان واقعی جنگ هسته‌ای هستند. هیباکوشاهای زنده امروزی کودکانی بودند که ۸۰ سال پیش شهرهایشان توسط بمب اتمی آمریکا

ویران شد. میانگین سنی آن‌ها اکنون ۸۶ سال است. سومیترو تانیکوچی که در سال ۲۰۱۷ درگذشت، ۱۶ ساله بود که ناکازاکی مورد حمله قرار گرفت. در زمان انفجار او در حال دوچرخه سواری بود. او گفت: «زمانی که انفجار رخ داد از دوچرخه به زمین پرتاب شدم». وقتی سرش را بلند کرد، دید بچه‌هایی که چند لحظه قبل دور او بازی می‌کردند مرده‌اند. او دچار سوختگی شدید شد و زخم‌هایش به سرعت عفونی شد. او تقریباً چهار سال را در بیمارستان گذراند تا پس از جراحاتش بهبود یابد، از جمله ۲۱ ماه دراز کشیدن روی شکم. او مجبور شد بعداً ۱۰ عمل جراحی برای برداشتن ضایعات از نواحی زخمی بدنش انجام دهد. درد و ناراحتی ناشی از جراحات هرگز از بین نرفت. تخمین زده می‌شود که ۳۸ هزار کودک در حملات به هیروشیما و ناکازاکی کشته شدند.

<https://B2n.ir/s30523>

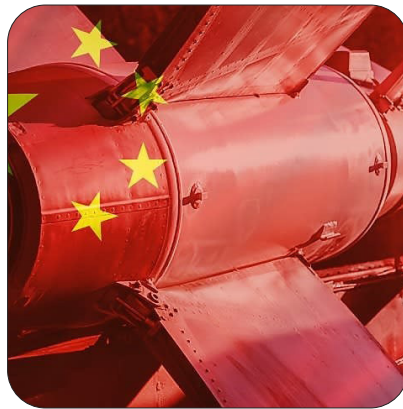
نوسازی تسلیحات هسته‌ای واشنگتن مقابل چین بازدارندگی نخواهد داشت

فایننشال تایمز کاترین هیل |

نتایج حاصل از یک شبیه‌سازی جنگ تایوان از سوی محققانی در آمریکا نشان می‌دهد برنامه واشنگتن برای تقویت تسلیحات هسته‌ای کمکی به بازداشتن چین از استفاده از چنین تسلیحاتی در زمان جنگ احتمالی بر سر تایوان نخواهد کرد. تعداد فزاینده‌ای از کارشناسان آمریکایی اخیراً توصیه کرده‌اند واشنگتن توانمندی‌های هسته‌ای بیشتری شامل تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی بیشتر به دست بیاورد که این می‌تواند نشان‌دهنده رقابتی با پکن بر سر تسلیحات هسته‌ای باشد.

با این وجود محققان مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا و یک لابراتوار شبیه‌سازی کامپیوتری جنگ در موسسه فن‌آوری ماساچوست آمریکا بعد از بررسی رزمایش شبیه‌سازی شده نتیجه‌گیری کردند نوسازی تسلیحات هسته‌ای آمریکا فراتر از نقطه کنونی هیچ تأثیری در بازدارندگی در قبال جنگ احتمالی بر سر تایوان نخواهد داشت.

به نوشته فایننشال تایمز، در این سناریوی جنگ شبیه‌سازی شده احتمال استفاده آمریکا یا چین از تسلیحات هسته‌ای از زیبایی نشد بلکه بررسی شد که چه وضعیت‌های نظامی ممکن است فرماندهان چین یا آمریکا در میدان نبرد را وادار به استفاده از این تسلیحات طی یک جنگ فرضی در سال ۲۰۲۸ بر سر تایوان کرده و چنین اتفاقی چه تغییری در ادامه روند



جنگ به وجود می‌آورد.

سناریوی شبیه‌سازی جنگ تایوان از سوی مؤسسات MIT و CSIS در حالی به اجرا درآمده که در واشنگتن بحث بر سر چگونگی واکنش به برنامه‌های چین برای نوسازی و گسترش تسلیحات هسته‌ای خود، نگرانی از احتمال اقدامات نظامی مشترک چین و روسیه و مواضع هسته‌ای مسکو در قبال جنگ اوکراین مطرح است. چین چند دهه روی قابلیت مقابله با هرگونه حمله هسته‌ای دشمن به خود تمرکز کرده است، بدون آنکه بخواهد در زمینه حجم زرادخانه هسته‌ای با ۲ قدرت اتمی اول جهان یعنی روسیه و آمریکا برابری کند. با این وجود پنتاگون برآورد کرده که پکن تا سال ۲۰۳۰ تعداد کلاهک‌های هسته‌ای در وضعیت عملیاتی خود را که در سال گذشته میلادی حدود ۵۰۰ عدد برآورد

شد ۲ برابر خواهد کرد. برخی از کارشناسان دیگر نیز تعداد کلاهک‌های هسته‌ای فعلی در زرادخانه چین را حدود ۴۴۰ عدد برآورد کرده‌اند. ارتش آزادی بخش خلق چین هم اکنون به این قابلیت که موشک‌های هسته‌ای خود را از زیر دریایی‌ها علاوه بر هواپیماها، تریلرهای متحرک و سیلوها پرتاب کند، دست پیدا کرده است.

به گفته چند کارشناس آمریکایی افزایش تعداد تسلیحات هسته‌ای می‌تواند کمبودها در زمینه تسلیحات متعارف را جبران کند و آن‌ها پیشنهاد استقرار تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی جدید را برای هدف گرفتن نیروهای دشمن در میدان نبرد داده‌اند، اما سناریوهای مختلف برای شبیه‌سازی جنگ نشان داده که نیازی به چنین توانمندی‌هایی نیست. «اریک هگینبوتام» کارشناس در حوزه مسائل هسته‌ای چین در موسسه فن‌آوری ماساچوست و یکی از نگارندگان گزارش مربوط به مانور شبیه‌سازی شده جنگ تایوان گفت: «آمریکا دارای بیش از ۶۰۰ کلاهک هسته‌ای تاکتیکی بوده و دارد تجهیزات پرتاب آن‌ها را نوسازی می‌کند. طی مانور اخیر، یک تیم آمریکا که تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی را به کار برد، تنها کمتر از ۱۲ عدد از آن‌ها را استفاده کرد.»

او گفت که در هیچ‌یک از سناریوها نیازی به ادواتی فراتر از آنچه که در برنامه نوسازی کنونی دولت آمریکا وجود دارد پیدا نشد.

<https://B2n.ir/w32963>

پولیتیکو / ادوارد لوکاس

لزوم توجه به هزینه‌های نظامی در سطح جنگ سرد



جنگ سرد به دوره‌ای از رقابت، تنش و کشمکش ژئوپلیتیکی بین اتحاد جماهیر شوروی و متحدانش (بلوک شرق) و آمریکا و متحدانش (بلوک غرب) بعد از جنگ جهانی دوم گفته می‌شود. به طور کلی دوره زمانی جنگ سرد از ۱۹۴۷ و آغاز دکترین ترومن تا فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ در نظر گرفته می‌شود. به دلیل آن که در این دوران هرگز درگیری نظامی مستقیم میان نیروهای آمریکا و شوروی به وجود نیامد، اما گسترش قدرت نظامی و کشمکش‌های سیاسی منجر به جنگ‌های نیابتی و درگیری‌های مهم بین کشورهای پیرو و هم‌پیمانان این دو ابرقدرت شد، از واژه سرد برای توصیف این جنگ استفاده می‌شود. ریشه‌های جنگ سرد به پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم و پایان اتحاد موقت آمریکا و شوروی علیه آلمان نازی و در ادامه درگیری ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دو کشور برای گسترش نفوذ جهانی بازمی‌گردد. بین سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۹۱، در طول سال‌های جنگ سرد، تعداد زیادی جویز و نشان‌های نظامی توسط کشورهای مختلف برای شناسایی خصومت‌های اعلام‌نشده دوران ایجاد شد. مدال‌های نظامی جنگ ویتنام و جنگ کره به دلیل سطح شدید درگیری‌ها شناخته‌شده‌ترین هستند.

مارک روت، دبیرکل ناتو روز پنجشنبه گفت که کشورهای ناتو باید به بودجه دفاعی دوران جنگ سرد بازگردند تا از روسیه در امان بمانند.

روته در اولین حضور علنی خود در بروکسل از زمان ریاست ائتلاف دفاعی، در مورد نیاز به افزایش بودجه نظامی پس از گزارش‌هایی مبنی بر اینکه ناتو تا سال ۲۰۳۰ یک هدف هزینه جدید ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی تعیین می‌کند، واضح بود. تعهد فعلی ائتلاف که توسط همه اعضا به جز هشت عضو اجرا می‌شود، حداقل ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را صرف دفاع می‌کنند.

روته گفت: «زمان آن فرارسیده است که به طرز فکری متناسب در زمان جنگ روی بیابوریم و تولید دفاعی و هزینه‌های دفاعی خود را تقویت کنیم.»

پول نقد زیادی برای احیای یک صنعت دفاعی «بی ارزش» مورد نیاز است که باید تولید خود را برای مقابله با تهدید نظامی روسیه افزایش دهد.

روته گفت: «درست است که ما در حال حاضر بیشتر از یک دهه قبل برای دفاع هزینه می‌کنیم، اما ما هنوز در مقایسه با دوران جنگ سرد بسیار کمتر پول خرج می‌کنیم. حتی اگر تهدیدات علیه آزادی و امنیت ما به همان اندازه بزرگ باشد.»

نخست‌وزیر سابق هلند گفت: «در طول جنگ سرد،

اروپایی‌ها بیش از ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف دفاع کردند. در اوایل دهه ۱۹۸۰، قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اعضای اروپایی ناتو به طور متوسط حدود ۳٫۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را برای دفاع هزینه کردند.»

روته در یک جلسه پرسش و پاسخ پس از سخنرانی خود از تعهد به یک هدف جدید برای هزینه‌های دفاعی خودداری کرد و تنها گفت که «به طور چشمگیری بیش از ۲ درصد» مورد نیاز است.

روته با استناد به ارقامی که هزینه‌های نظامی مسکورا بیش از یک سوم بودجه دولتی یا بیش از ۶ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد می‌کند، گفت: «هزینه‌های دفاعی سرسام‌آور روسیه نشان می‌دهد که کرملین در حال آماده شدن برای درگیری طولانی مدت با اوکراین و سایر کشورهای اروپایی است.»

در میان متحدان اجماع فزاینده‌ای وجود دارد که هدف فعلی ۲ درصد برای اجرای طرح‌های دفاعی منطقه‌ای و برآوردن اهداف توانمندی ناتو کافی نیست که انتظار می‌رود سال آینده با الزامات بیشتری به روز شود. کمیسیون اروپا تخمین می‌زند که هزینه‌های دفاعی اتحادیه اروپا طی دهه آینده باید ۵۰۰ میلیارد یورو افزایش یابد.

آندریوس کوبیلیوس، کمیسر دفاع اتحادیه اروپا، در اوایل این ماه به پولیتیکو گفت که نسبت به ۱۰ میلیارد یورو در بودجه فعلی، حدود ۱۰۰ میلیارد یورو باید برای دفاع در بودجه بلندمدت بعدی اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود. وی همچنین گفت که هزینه‌های نظامی باید از محدودیت‌های اتحادیه اروپا در مورد بدهی‌ها و کسری‌های ملی حذف شود.

تأمین مالی دفاعی اولویت اصلی ریاست‌آتی لهستان بر شورای اتحادیه اروپا خواهد بود.

آندری دومانسکی، وزیر دارایی لهستان، این هفته

گفت که دو گزینه برای تأمین مالی مشترک اتحادیه اروپا روی میز است: اول، کشورهای اتحادیه اروپا می‌توانند بدهی مشترک صادر کنند، هرچند که این امر مستلزم تصمیم‌گیری به اتفاق آرا دشوار است. گزینه دوم ایجاد وسیله‌ای با هدف ویژه است که کشورهای بتوانند به صورت داوطلبانه از آن حمایت کنند. او گفت، با این حال، کشورهای مقتصد مانند آلمان از چنین ایده‌هایی بسیار چشم‌پوشی می‌کنند و بعید است اتحادیه اروپا پیشنهادهای جسورانه‌ای را قبل از انتخابات آلمان در ماه فوریه ارائه دهد.

یکی دیگر از راه‌های دریافت پول نقد، روی آوردن به بخش خصوصی است. روت، طرفدار تشویق بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دفاعی و همچنین بازنویسی قوانین مربوط به قراردادهای نظامی برای تسهیل تکمیل قراردادها است.

روته با اشاره به نیاز به کنار گذاشتن «الزامات دقیق» گفت: «پذیرش ریسک از شما، دولت‌ها، می‌خواهد که قوانین تدارکات قدیمی را تغییر دهید.»

او از دولت‌ها خواست: «سفارش‌های بزرگ و قراردادهای بلندمدت را که برای تولید سریع قابلیت‌های بیشتر و بهتر به صنایع ما نیاز دارند، در اختیار تولیدکننده‌ها قرار دهیم.»

او همچنین پیامی برای سازندگان سلاح داشت: «جسارت به خرج دهید، از خود نوآوری نشان دهید و ریسک کنید! شیف‌های اضافی و خطوط تولید جدید را وارد کنید!»

هدف، تسلیح مجدد کشورهایی است که به ارتش خود اجازه دادند پس از پایان جنگ سرد از بین بروند. رئیس ناتو گفت: «ما برای آنچه در چهار تا پنج سال آینده در راه است، آماده نیستیم.»

<https://B2n.ir/k41415>

فارس پالیسی / گالپ دالای

چگونه سوریه پس از اسد می‌تواند نظم منطقه‌ای جدیدی را ایجاد کند؟



در ساعات اولیه روز ۸ دسامبر، بیش از نیم قرن حکومت وحشیانه خاندان اسد در سوریه به پایان رسید.

با فرار بشار اسد از کشور، نه تنها نظم سیاسی داخلی سوریه یک شبه تغییر کرد، بلکه هویت ژئوپلیتیکی آن نیز تغییر کرد. سوریه دیگر بخشی از «محور مقاومت» ایران یا یکی از طولانی‌ترین متحدان روسیه در جهان عرب نیست، جایی که مسکو عمیق‌ترین ردپای استراتژیک خود را در قالب پایگاه‌های هوایی و دریایی داشت.

بسیاری مشغول اعلام برندگان و بازندگان این لحظه حساس هستند. ترسیم لیست بازنده‌ها در این مرحله نسبتاً آسان است. خود حکومت سوریه، ایران، روسیه و حزب الله از جمله آن‌ها هستند. با این حال، ترسیم لیستی از برندگان چندان ساده نیست. اگرچه سقوط اسد به طور قابل توجهی نفوذ و جایگاه ترکیه را در سوریه و در ژئوپلیتیک منطقه‌ای گسترده‌تر افزایش داده است، هیئت تحریر شام [HTS]، جناح شورشی که حمله‌ای را که منجر به سرنگونی اسد شد رهبری کرد، نیابتی ترکیه نیست. آنکارا در مواقع سخت به گروه‌های مخالف سوری متعهد ماند و اکنون نفوذ قابل توجهی بر هیئت تحریر شام و توانایی تأثیرگذاری بر اقدامات و تصمیمات آن دارد.

در داخل سوریه، یکی از بزرگ‌ترین خطرات این است که سقوط اسد به فروپاشی دولت تبدیل شود، همان‌طور که در لیبی اتفاق افتاد. چنین فروپاشی تنها منجر به هرج و مرج بیشتر و آینده تیره‌ای برای کشور خواهد شد؛ بنابراین، نهادها و سازوکارهای دولت سوریه باید حفظ شوند. انتقال سیاسی و تشکیل دولت به هم مرتبط هستند، اما می‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد. انتقال سیاسی فرآیندی سخت و زمان‌بر است. با این حال، برای ارائه خدمات ضروری، حفظ نهادها و عملکردهای دولتی و جلوگیری از ایجاد خلأ قدرت و هرج و مرج، فوراً به یک دولت موقت نیاز است.

به طور مشابه، در یک زمینه درگیری، نارضایتی‌ها معمولاً باعث ایجاد شبه‌نظامیان، خشونت و رادیکالیسم می‌شود، البته اگر این نارضایتی‌ها مبتنی بر اتحاد باشند. عراق، همسایه سوریه، نمونه نمونه بارز این موضوع است. سرنگونی رژیم سنی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ منجر به ظهور یک ساختار قدرت جدید در بغداد شد که توسط شیعیان و کردها رهبری می‌شد. چنین محرومیت و کینه‌توزی نسبت به جامعه سنی گسترده‌تر،

بی تفاوت باشد. تعامل اولیه با هیئت تحریر شام؛ گروه‌های شورشی؛ و بازیگران کلیدی منطقه که از ترکیه شروع می‌شود، برای کمک به روند انتقال ضروری است. این مسئله باید یک انتقال منظم را از طریق بسته‌های مختلف کمک و بازسازی ایجاد کند. برای انجام این کار، ترکیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و کشورهای کلیدی عربی باید گفت‌وگوهای منظم و ساختاریافته‌ای در مورد انتقال سیاسی، بازسازی و نوسازی سوریه داشته باشند.

در بیشتر مواقع، آنچه بسیاری «واقعیت جدید» می‌نامند، صرفاً تصویری از لحظه‌ای در زمان است. صحنه‌های دراماتیک در دمشق می‌تواند به وضعیت آشفته‌تری منجر شود یا می‌تواند دولت جدیدی ایجاد کند که از مشروعیت واقعی در دمشق برخوردار باشد. همکاری نزدیک بین سوریه، کشورهای عربی و قدرت‌های بین‌المللی برای جلوگیری از یک نتیجه آشفته و ایجاد یک دولت جدید و قانونی در دمشق ضروری است.

این یک لحظه تاریخی است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ غرب آسیا قدیم را در هم شکست و پس از آن ایران و محور منطقه‌ای آن در حال پیشرفت و قدرت‌های عربی در حال عقب‌نشینی بودند. قیام‌های بهار عربی در سال ۲۰۱۱ این نظم منطقه‌ای سابق را تشدید کرد. در مقابل، پس از آغاز جنگ اسرائیل و حماس و سقوط اسد، ایران و شبکه منطقه‌ای آن در حال افول هستند و توازن قوا به طور قابل توجهی تغییر می‌کند.

ایجاد اجماع در مورد سوریه می‌تواند به عنوان اساسی برای نظم منطقه‌ای جدید عمل کند.

<https://B2n.ir/m59729>

امواج افراط‌گرایی را در عراق و فراتر از آن، از ظهور القاعده در عراق تا داعش دامن زد.

برای جلوگیری از چنین چشم‌اندازی در سوریه، نباید جامعه علوی یا شیعه را به حاشیه راند یا جرم‌انگاری کرد. جلوگیری از کینه‌توزی‌های جمعی نه تنها برای یک انتقال سیاسی منظم و حکومت قانونی‌تر در دمشق بسیار مهم است، بلکه برای مهار نفوذ ایران و شبکه‌های اشتراکی در سوریه نیز ضروری است.

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، به جای «مذاکرات صلح ژنو در باره سوریه» تحت رهبری سازمان ملل و غرب، روند صلح سوریه که در روزهای پایانی سال ۲۰۱۶ آغاز شد و توسط ترکیه، روسیه و ایران رهبری شد، عمدتاً مسیر مناقشه را در سوریه ترسیم کرده است. فرمت مذاکرات عملاً در مورد توقف درگیری بود، نه تسهیل انتقال قدرت سیاسی، در حالی که به آنکارا، مسکو و تهران کمک می‌کرد تا منافع خود را در سوریه مدیریت کنند.

با این حال، روند صلح سوریه در حال حاضر مسیر خود را طی کرده است، به خصوص که دو تن از اعضای اصلی آن از رژیم حمایت کردند که دیگر وجود ندارد و حضور آن‌ها در این کشور اکنون به شدت کاهش یافته است. به عبارت دیگر، مسکو و تهران دیگر قدرت یا مشروعیتی برای ایفای نقش اصلی در آینده سوریه ندارند. در کوتاه‌مدت، روسیه ممکن است میزانی از نفوذ خود را بر تحولات سوریه حفظ کند. با این حال، این تأثیر ناپایدار خواهد بود. موقعیت ایران از این هم متزلزل‌تر است.

در نهایت، اتحادیه اروپا نباید در قبال دگرگونی سوریه به عنوان یک نظاره‌گر باقی بماند یا

بیانیه دفتر هان، وی در این تماس تلفنی گفت: «کره جنوبی بدون اختلال، سیاست‌های خارجی و امنیتی خود را دنبال خواهد کرد و تلاش می‌کند که اتحاد با آمریکا به شکل پایدار حفظ شود و توسعه یابد.»

• سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، طی بیانیه‌ای که در تظاهرات میلیونی با شعار «ایستادگی با غزه و ادامه مقابله با پروژه صهیونی-آمریکایی» در السعین، بزرگ‌ترین میدان پایتخت یمن قرائت شد، گفت: در عملیات نخست به یک هدف نظامی حیاتی در عسقلان و در عملیات دوم، یافا (تل‌آویو) با استفاده از پهپاد پس از دور زدن سیستم‌های رهگیری اسرائیل حمله شد. در سومین عملیات که به صورت مشترک با مقاومت عراق صورت گرفت، با چندین پهپاد، به یک هدف حیاتی در جنوب فلسطین اشغالی حمله شد.

• جان مرشایمر، متفکر آمریکایی و استاد مشهور روابط بین‌الملل، در اظهاراتی درباره سوریه بعد از بشار اسد گفت که «فکر می‌کنم ترک‌ها معتقدند که سرنگونی اسد به سوریه جدیدی منتهی می‌شود که دوست ترکیه خواهد بود و به آن کمک می‌کند تعداد زیادی از مشکلاتش را به خصوص با گُردها حل کند.» وی در ادامه با بیان اینکه بعید می‌داند وقایع این‌طور پیش رود، افزود: «فکر می‌کنم در آینده نه چندان دور ناآرامی زیادی در سوریه به وجود خواهد آمد. این پیروزی کوتاه‌مدت برای ترکیه، در بلندمدت، تحولی مثبت نخواهد بود.»

• رادیو ارتش اسرائیل گزارش داد که ارتش این رژیم برج‌های دیده‌بانی و سامانه‌های تیراندازی از راه دور را در کرانه باختری مستقر خواهد کرد.

• مارکوس تاساکانا، وزیر امور خارجه استونی، در اظهاراتی عنوان کرد، در صورتی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا به توافقی پایدار برای برقراری صلح در اوکراین دست پیدا کند، می‌تواند به چرخش زمانش تبدیل شود. تاساکانا ابراز امیدواری کرد که ترامپ بتواند موجب برقراری آتش‌بس طولانی میان روسیه و اوکراین شود و به این موضوع نیز اشاره کرد که وی باید تضمین‌های امنیتی بسیار قوی برای تحقق این موضوع به اوکراین بدهد.

• دونالد ترامپ در پستی در شبکه اجتماعی شخصی خود «تروث سوشال» اعلام کرد که ریچارد گرنل را برای کار کردن «در داغ‌ترین نقاط جهان» از جمله ونزوئلا و کره شمالی انتخاب کرده است.

• «اسحاق یوسف»، خام‌ارشد صهیونیست و از اعضای شورای حزب صهیونیستی «شاس»، با انتشار پیامی ویدئویی مخالفت شدید خود را با پیوستن «حریدی‌ها» (فوق‌ارتدکس‌های اسرائیلی) به ارتش اسرائیل اعلام کرد. بر اساس این گزارش، اسحاق یوسف در پیام یادشده اعلام کرد: «حتی افراد بیکار هم نباید به ارتش ملحق شوند.» اسحاق یوسف که به‌تازگی از ریاست یهودیان «سفاردیم» کنار رفته است، پیش‌تر نیز به‌شدت با خدمت سربازی حریدی‌ها مخالفت کرده بود.

• تیک‌تاک از ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ در آمریکا ممنوع خواهد شد، مگر اینکه شرکت مادر آن، بایت‌دنس، مالکیت خود را به شرکت‌های غیرچینی واگذار کند. این تصمیم، اقتصاد خلاقانه و استارت‌آپی آمریکا را با چالش جدی مواجه می‌کند، چرا که تیک‌تاک با پشتیبانی از ۲۲۴ هزار شغل و تولید سالانه ۵٫۳ میلیارد دلار مالیات، نقش حیاتی در اقتصاد خرد و کلان کشور ایفا می‌کند.

• «کریس اسمیت»، نماینده جمهوری خواه از ایالت نیوجرسی، در یک کنفرانس خبری، دولت بایدن را به دلیل مبهم نگهداشتن موضوع پهپادهای ناشناس در این ایالت، مورد انتقاد قرار داد. کریس اسمیت در این کنفرانس خبری گفت که از «آلخاندرو مایورکاس»، وزیر امنیت داخلی، درباره عدم شناسایی منشأ این پهپادها انتقاد کرده و خواستار حل این موضوع شده است. این نماینده جمهوری خواه ایالت نیوجرسی همچنین اضافه کرد که با «لوید آستین»، وزیر دفاع آمریکا تماس گرفته و خواستار صدور مجوز استفاده از نیروهای نظامی برای سرنگونی این پهپادها شده است.

• جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، پس از سفر به غرب آسیا که شامل توقف در اسرائیل، قطر و مصر بود، به واشنگتن بازگشت. به گفته سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا، محور اصلی این سفر، پیگیری توافق آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها در غزه و بررسی وضعیت سوریه پس از سقوط نظام بشار اسد بود. بنا بر این گزارش در اسرائیل، سالیوان با مقامات بلند پایه از جمله بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر؛ اسحاق هرتزوغ، رئیس‌جمهور؛ ران درمر، وزیر امور استراتژیک؛ اسرائیل کاتز، وزیر دفاع و همچنین مشاور امنیت ملی دیدار کرد.

• یون سوک یول، رئیس‌جمهور کره جنوبی، پس از استیضاحش در دومین رأی‌گیری پارلمان به دلیل تلاش برای برقراری حکومت نظامی، اعلام کرد که به مبارزه برای آینده سیاسی خود ادامه خواهد داد. بر اساس قانون کره جنوبی، پس از تصویب استیضاح رئیس‌جمهور در پارلمان، دادگاه قانون اساسی این کشور باید ظرف ۶ ماه درباره تأیید برکناری و برگزاری انتخابات زودهنگام تصمیم‌گیری کند.

• ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، اعلام کرد که مسکو بهره‌گیری از «شمار قابل توجهی» از نیروهای کره شمالی را به منظور عقب‌راندن نیروهای اوکراینی از منطقه مرزی کورسک آغاز کرده است. نیروهای اوکراینی حملات خود به منطقه کورسک را در ماه مرداد آغاز کردند و هنوز کنترل برخی از شهرها را در آنجا در دست دارند. این بخشی از تلاش کی‌یف برای کاهش فشار بر نیروهای خود در شرق اوکراین بود؛ جایی که روسیه به صورت مداوم در آنجا پیشروی می‌کند.

• شبکه‌ای بی‌سی نیوز و مجری ارشد آن، جورج استفانوپولوس، برای خاتمه دادن به شکایت افترا از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، توافق کردند ۱۵ میلیون دلار پرداخت و بابت اظهارات نادرست خود ابراز تأسف کنند. این توافق نامه، که روز شنبه به‌صورت عمومی منتشر شد، نشان می‌دهد دو طرف برای جلوگیری از یک محاکمه پرهزینه به توافق رسیده‌اند.

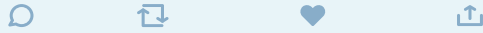
• روزنامه عبری اسرائیل هیوم از یک مسئول در کابینه اسرائیل نقل کرد: پیشرفتی در توافق تبادل اسیران با حماس وجود دارد. وی گفت که پایان جنگ غزه نزدیک است، اما تا قبل از روی کار آمدن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، این جنگ پایان نمی‌یابد. این عضو کابینه اسرائیل عنوان داشت: ترامپ خواهان پایان جنگ است و احتمال پایان یافتن این جنگ از طریق توافق تبادل وجود دارد.

• با اعلام دفتر هان دوک سو و کاخ سفید، رئیس‌جمهور موقت کره جنوبی به صورت تلفنی با جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا گفت‌وگو کرد. طبق

**Seth Frantzman**
تحلیل‌گر مسائل غرب آسیا

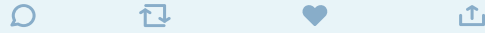
@sfrantzman

حمله جزئی اسرائیل به منطقه حائل در جولان، جایی که مردمی در آن زندگی نمی‌کنند، به عنوان یک داستان بزرگ به تصویر کشیده می‌شود. در حالی که حمله آنکارا به تل رفعت، منیج و کوبانی و کشتار غیرنظامیان و آواره کردن ده‌ها هزار نفر، عمدتاً کردها، حتی پوشش داده نمی‌شود.

**Dr. Eli David**
تحلیل‌گر اسرائیلی

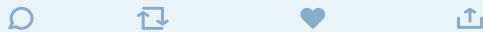
@DrEliDavid

ایرانیان نام خیابانی در تهران را به «تانیاهو نابودگر شیطان» تغییر دادند
این همه ایرانی دلیر! نظام به زودی سرنگون میشه و ایران دوباره قوی میشه!

**U.S. Central Command**
فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)

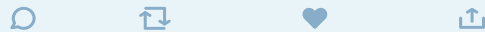
@CENTCOM

در روز ۱۴ دسامبر، ناو HSTCSG (Harry S. Truman Carrier Strike Group) متشکل از پرچمدار USS Harry S. Truman (CVN ۷۵) کریر بال‌هواپی (CVW) ۱ با ۹ اسکادران هوانوردی سوار شده؛ اسکادران ناوشکن Ticonderoga (DESRON) ۲۸؛ رزمناو موشک هدایت‌شونده کلاس USS Gettysburg (CG ۶۴) و دو ناوشکن موشک هدایت‌شونده کلاس USS Burke (DDG ۵۵) و USS Stout (DDG ۱۰۹) و USS Jason Dunham (DDG ۱۰۹) وارد منطقه مسئولیت فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) شدند.

**Mark Dubowitz**
دبیر بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها

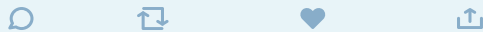
@mdubowitz

همان افرادی که برای قطع تسلیحات تهاجمی به اسرائیل اصرار می‌کنند، خوب است که آن‌ها را در دست جهادگران سوریه، زمانی که با القاعده و داعش مرتبط بودند می‌سپردند.
بگذار آن‌ها غرق شوند.

**Israel Observer**
حساب اسرائیلی فعال در خصوص جنگ

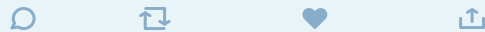
@IsraelObserver0

بعد از اتفاقاتی که در سوریه افتاد...
مردم ایران، شما می‌توانید این کار را انجام دهید!
نظام ضعیف و شکننده است، شما می‌توانید آن را از بین ببرید.

**Lindsey Graham**
سناتور آمریکایی

@LindseyGrahamSC

بیش از ۵۰ هزار اسیر داعش در شمال شرق سوریه نگهداری می‌شوند.
اگر هرج و مرج در منطقه منجر به فرار از زندان داعش شود، برای آمریکا کابوس خواهد بود.
داعش برخی از بدترین حملات تروریستی را انجام داد و الهام‌بخش آن شد. ما نمی‌توانیم به داعش اجازه بازگشت بدهیم.

**UANI**
سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای

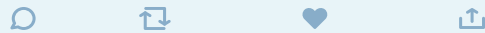
@UANI

سپاه یکی از مخوف‌ترین ابزار نظام تهران است. با این حال، برخی از دولت‌ها وجود دارند که سپاه پاسداران را با وجود شناخت کامل نقش آن در حمایت از تروریسم در خارج از کشور و سوء استفاده در داخل، تحریم نکرده‌اند.

**Intelli Times**
حساب اسرائیلی فعال در خصوص جنگ

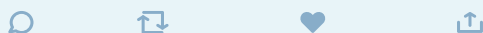
@IntelliTimes

آیا این آخرین دوره فرماندهی سپاه قدس بعد از لبنان و سوریه است و بازنشستگی او نزدیک است؟

**Benjamin Netanyahu**
نخست‌وزیر اسرائیل

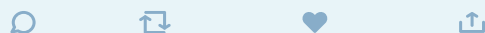
@netanyahu

من گفتم غرب آسیا را تغییر خواهیم داد و این چیزی است که در حال رخ دادن است.
سوریه همان سوریه نیست، لبنان همان لبنان نیست.
غزه همان غزه نیست، ایران همان ایران نیست.

**OSINTdefender**
حساب اسرائیلی فعال در خصوص جنگ

@sentdefender

ویام وهاب، بنیانگذار حزب اتحاد مجدد عرب در لبنان، شب گذشته در اظهاراتی غیرمعمول گفت: ملت جنگ نمی‌خواهد، اجازه دهید به سمت صلح با اسرائیل حرکت کنیم. من به شیعیان پیشنهاد می‌کنم که با اسرائیل عادی سازی و صلح کنند و همه ما زندگی آرامی داشته باشیم. محور مقاومت با ترور سلیمانی و نصرالله به پایان رسید.



ایندپندنت

چرا جمهوری اسلامی پشت اسد را خالی کرد؟



تحولات اخیر غرب آسیا باعث شد جمهوری اسلامی برای مذاکره درباره بحران سوریه، سرداران ارشد خود را بادیلمت‌ها جایگزین کند. در گذشته سردار سلیمانی در خصوص پرونده سوریه با روسیه مذاکره می‌کرد و تنها در یک روز توانست مسکو را به حمایت از نظام اسد متقاعد کند. سپس وی کشته شد و چندی بعد نوبت ترور دیگر متحدان جمهوری اسلامی رسید و در نتیجه حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس و محمد ضیف، فرمانده گردان‌های عزالدین قسام، کشته شدند. این تحول چالش برانگیز جمهوری اسلامی را بر آن داشت تا نقش سرداران ارشد را در امور سیاسی کاهش دهد تا وزیر امور خارجه بتواند به نمایندگی از ایران صحبت کند.

از تفنگ تا دیپلماسی

با آغاز پیشروی نظامی مخالفان سوریه از حلب به حما و پیش از رسیدن به دمشق، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، اعلام کرد که ایران از نظام سوریه حمایت می‌کند، اما این پشتیبانی «به درخواست دولت سوریه بستگی دارد». اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا جمهوری اسلامی در گذشته به درخواست نظام دمشق در سوریه مداخله می‌کرد؟ آیا این تهران نبود که برای هموار کردن مسیر قاچاق سلاح، موشک و مهمات از طریق خاک سوریه به حزب الله از نظام سوریه حمایت می‌کرد؟ پس از سقوط بشار اسد، عراقچی جزئیات آخرین دیدار با اسد را فاش کرد. او ارتش سوریه را مسئول سقوط دولت سوریه دانست و حمایت نکردن از آن‌ها را با این جمله توجیه کرد: «ما از توطئه‌ای که در سوریه جریان داشت، مطلع بودیم و این موضوع را به دولت آن گفتیم، ولی ارتش انگیزه مقابله نداشت». این چیزی است که در رسانه‌ها بازتاب داشت، اما واقعیت چیز دیگری است. روزنامه فایننشال تایمز به نقل از یک منبع ایرانی نوشت: «وزیر خارجه جمهوری اسلامی در سفر اخیرش به دمشق به اسد اطلاع داد که تهران در موقعیتی نیست که برای حمایت از دولت وی به سوریه نیرو بفرستد». منبع مزبور در ادامه گفت: «مقام‌های جمهوری اسلامی دیگر به بشار اسد اعتماد نداشتند و او را باری سنگین اضافی می‌دانستند». همچنان این روزنامه به تشدید اختلاف میان تهران و دمشق اشاره کرد و افزود: «هبران جمهوری اسلامی از اسد راضی نبودند و او را به افشای اطلاعات درباره فرماندهان ایرانی در سوریه متهم می‌کردند.»

جمهوری اسلامی؛ ببری کاغذی

جمهوری اسلامی به دلیل چراغ سبزی که اوپاما به آن نشان داده بود، سال‌ها خود را قدرت برتر منطقه

اما این راهبرد که جمهوری اسلامی به شدت بر آن تکیه کرده بود، دوام نیاورد و خطوط دفاعی ایجاد شده توسط نظام تهران در منطقه، یکی پس از دیگری شکسته شد. پس از وقوع حمله ۱۷ اکتبر حماس به اسرائیل، زمین زیر پای نظام جمهوری اسلامی به لرزه درآمد و واقعیت قدرت نظامی تهران در مواجهه با فناوری نظامی آمریکا و اسرائیل آشکار شد.

بنا بودی حماس در غزه و شکست حزب الله در لبنان، جمهوری اسلامی متوجه خطری که آن را احاطه کرده بود، شد و دانست که چراغ سبز بین المللی-آمریکایی که از زمان اوپاما روشن مانده، در شرف خاموش شدن است. به همین دلیل بود که جمهوری اسلامی ناچار به عقب‌نشینی از شهر البوکمال در استان دیرالزور شد. علاوه بر این، ناتوانی جمهوری اسلامی در بسیج گسترده نیروهای حشد الشعبی در عراق، درماندگی حزب الله لبنان و ناتوانی حوثی‌ها در گسترش نفوذ نظامی، تهران را بر آن داشت تا برای جلوگیری از کشیده شدن جنگ به خاک ایران به دنبال راهکاری برای نجات خود و آنچه از نفوذش در منطقه باقی مانده است، باشد.

آری، جمهوری اسلامی سرانجام به این واقعیت اذعان کرد که چیزی بیش از یک ببر کاغذی نیست. بنابراین، سقوط اسد را پذیرفت و ده‌ها میلیارد دلاری را که برای حفظ وی در سوریه هزینه کرد بود، رها کرد. اکنون با توجه به درهم شکسته شدن بخش عمده‌ای از متحدان و شبه‌نظامیان وفادار به تهران، جمهوری اسلامی خود را عملاً در معرض خطر و فروپاشی می‌بیند!

<https://B2n.ir/r17852>

می‌دانست و به هر کجا که می‌خواست، دست‌درازی می‌کرد. زمانی جمهوری اسلامی برای محافظت از نظام اسد تهدید کرد که از مذاکرات برجام خارج می‌شود، به همین دلیل بود که واشنگتن از خطوط قرمز که برای تهران تعیین کرده بود، صرف‌نظر نمود. سردار سلیمانی روسیه را به دفاع همه‌جانبه از نظام اسد متقاعد کرد و مسکو نیز به گسترش تسلط بر بندرگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی واقع در سواحل مدیترانه علاقه‌مند شد. علاوه بر آن، دسترسی به مواد خام سوریه عامل دیگری بود که پای روسیه را به منطقه کشاند.

در آن زمان، جمهوری اسلامی برای مداخله در سوریه از کسی اجازه نخواست، زیرا منافع دولت اوپاما با منافع روسیه مطابقت داشت. همین بود که نظام جمهوری اسلامی تصمیم گرفت، شبه‌نظامیان فاطمیون، زینبیون و گروه‌های شبه‌نظامی عراقی را به سوریه اعزام کند. افزون بر آن، تهران برای محافظت از نظام بشار اسد و جلوگیری از سقوط آن از حزب الله لبنان کمک خواست و شمار زیادی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و کارشناسان نظامی ایران در نقاط مختلف سوریه مستقر شدند.

چند سال پیش، [آیت الله] خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، هنگام اعطای مدال به سردار سلیمانی با اشاره به اهمیت نقش دولت سوریه برای ایران، گفت: «دفاع از نظام سوریه، دفاع از تهران است». او افزود: «اگر در سوریه جلو فتنه‌گران گرفته نمی‌شد، باید در تهران و فارس و خراسان و اصفهان دفاع می‌کردیم». به همین دلیل، جمهوری اسلامی سعی کرد با ایجاد خطوط دفاعی در سوریه خودش را از میدان جنگ دور نگه دارد.



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مركز مطالعات

Sourianc.com